



مطرحان کارگران انقلابی ایران راه کارگر

پیام کارگر

شماره ۶۰

بها معادل ۶۰ ریال

ارگان کمیته خارج از کشور سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) سال سوم نیمه اول بهمن ۱۳۶۸

بحران در جمهوریهای قفقاز:

چهره‌های از ناسیونالیسم

مهم مربوط به این تحولات، نگاهی می‌افکنیم: بدون تردید ناسیونالیسم ریشه رشد در اتحاد شوروی، تنها بیانگر یک گرایش قهرانی از سوی آن دسته از نیروهای اجتماعی که خواهان اعاده نظم سرمایه‌داری هستند، نیست، بلکه بعلاوه پاسخی انحرافی، و نارسا از سوی بخشهای وسیعی از مردم نسبت به یک رشته مشکلات و نارضایتی‌های بوده که طی دهه‌ها انباشته شده و اکنون برآنست که گویا با کسب استقلال و با کوبیدن سایر اقلیت‌های ملی، حل شدنی است. - رکود اقتصادی جاری در شوروی زمینه اصلی بحران در روابط بین خلقهای این کشور است و زمانی که تکانه‌های محسوس در حرکت اقتصاد

بقیه در صفحه ۲

آذربایجان و ارمنستان شوروی؛ اعلام حکومت نظامی در مناطقی از آذربایجان شوروی و از جمله در باکو و نیز دخالت وسیع ارتش شوروی، حضور آن در مناطق مرزی جمهوریهای ارمنستان و آذربایجان و نیز در مرزهای خارجی این جمهوریها، بیش از هر چیز بیانگر عواقب یک پدیده وشت و غیر انسانی، یعنی درگیری کور و ارتجاعی " ناسیونالیسم " ملت‌های ساکن اتحاد شوروی است. پدیده‌ای که میرفت تا با پیش آوردن کشتارهای فاجعه بار و نسل کشی در میان آذری‌ها و ارمنی‌ها یک برسریست تمام عیار را رقم زند. این اقدام در جمهوریهای مزبور با اعتراض و پذیرش روبرو شده و واکنش‌های متفاوتی را در برداشته است. ما در اینجا به اختصار به پاره‌ای از مسائل

ولایت فقیه در تنگنا

راجدی نگرفتند. نزاع بر سر التزام به فرمایشات رهبری، یا التزام به وظایف نمایندگی، صورت‌بندی جدیدی را موجب شده و نمایندگان را عملاً به دو بخش حامی فقیه و مخالف وی تقسیم کرد.

بقیه در صفحه ۲

سفر جوشکوبه ایران و پیامدهای آن نشان داد که چقدر وحدت موری با ندهای حکومتی حول فقاهت و رهبری خامنه‌ای شکننده و متزلزل است. اختلافات تا کنونی چنانچه بعد از مرگ خمینی، اگر چه با رهبران نظامی تا کنون ادامه یافته و به لرزه در آورده بود، اما اصل ولایت فقیه را خدشه‌دار نکرده بود. استیضاح ولایتی وزیر امور خارجه رژیم توسط نمایندگان مجلس به بهانه انتقاد از سفر جوشکوبه، بر زمینه درز اخباری مبنی بر فروش نفت ایران به اسرائیل و خرید لوازم بیدکی هواپیماها، نظامی‌ها، از آن به کمک رومانی ما ده محترقه‌ای بود که بر آتش اختلافات جناحی‌های حکومتی فتنه‌ها و علی‌رغم همه تلاشهای خامنه‌ای، فقیه درمانده، شعله‌های این آتش اینبار را در من "اللزام به ولایت فقیه" را گرفت. حضور ولایتی در مجلس و تاکیدات او بر قرار دهایی "حیات" با رومانسی و احتمال فراساسی به مصالح جمهوری اسلامی در رابطه با مسائل دفاعی در صورت لغو سفر جوشکوبه به ایران، نمایندگان معترض را راضی نکرد. آنها خواهان حضور مجدداً در مجلس و کمیسیون مربوطه شدند. فریادهای رهبر که به دفاع و حمایت از وزیر خارجه برخاسته بود، موثر واقع نشد و قریب به ۵۰ نفر از نمایندگان علناً فرمایشات "ما ما جدید"

چشمه‌ها مراقب "گالیندویل"

آقای "ریسالدو گالیندویل" نامور ویزه کمیسیون حقوق بشر ملل متحد برای بررسی نقض حقوق بشر در ایران و بارها زنده‌ها را زنده‌ها، روز ۲۰ ژانویه به تهران عزیمت کرد. ایشان قرار است در این مورد گزارشی تهیه کرده و در اختیار کمیسیون حقوق بشر ملل متحد قرار دهد. آقای گالیندویل در مورد نقض حقوق بشر در ایران تاکنون گزارشات متعددی تهیه کرده است اما این اولین بار است که ضمن بازدید رسمی از ایران چنین وظیفه‌ای را انجام می‌دهد.

همانطور که در شماره‌های گذشته پیام کارگر آورده‌ایم، پذیرش سفر آقای گالیندویل به تهران در نتیجه فشاراتکار عمومی بین‌المللی و نیاز به برهم کردن تیران به ایجاد ارتباط با غرب، گویا وجود فشار عمومی مخالف آن چندان آن نیست. بود، این سفر برای مردمی که به بیشرمانه ترسین صورت مورد فشار و سرکوب بوده‌اند، یک دستاورد است. دستاوردی که میتواند با استفاده از آن هر چه بیشتر به مقابله با سرکوب و اختناق حاکم بر ایران بپردازد.

بی شک نتایجی حاکم بر ایران اقدامات ریالی برای بی‌نتیجه کردن سفر آقای گالیندویل انجام داده و می‌دهند و در این میان ممکن است بسیاری دیگر از زندانیان سیاسی با قیمتهای شوم هلاک شده باشند. همچنین به اقدامات نمایی متعددی دست زده‌اند که همگی نشان دهنده حساسیت آنها و اهمیت این سفر است. از جمله محدودی رئیس قوه قضائیه در روز ۲۰ ژانویه تمامی روائی زندانیان کشور را در تهران جمع کرده و برای آنها در مورد با مطلع رفتار انسانی بازتدانی و حفظ شخصیت انسانی آنها داد سخن داد و در حقیقت تصمیمات لازم برای فریبکاری و ظواهر سازی در زندانها را به آنها ابلاغ کرد. ما در این مورد قبلاً هم سخن گفتیم و از جمله درخواستهای خود آقای گالیندویل برای بازگرداندن برده‌های را ذکر کرده‌ایم.

در این مرحله از مبارزه برای دفاع از زندانیان سیاسی و علیه نقض حقوق بشر و اختناق و سرکوب در ایران، می‌باید بر نتایج سفر آقای گالیندویل و برکنار شدن او توجه داشته باشیم. این بیش از پیش توجه داشت. ما و همه مردم آرزوی آن هستیم که آقای گالیندویل چگونه عمل خواهد کرد و می‌باید بعد از بیان سفر او این توجه خود را به اطلاع ایشان

بقیه در صفحه ۴

در این شماره

- اعصاب غذا در فرانکفورت در صفحه ۱۱
- قتل یک جوان پناهنده در مالمو سوئد! در صفحه ۳
- تغییرات در سیاستهای دولت چین در صفحه ۱۰
- بر علیه کودکان گزاشی از فلسطین اشغالی در صفحه ۱۲

هنر

- قدرت طنز - محمود ایرانی در صفحه ۱۵

بسوی مفهوم معا صروسیا لیسم قسمت دوم در صفحه ۷

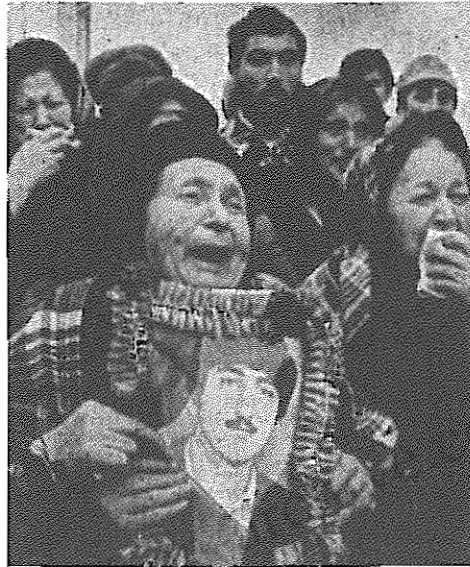
بحران در جمهوری

ادامه از صفحه ۱

شوری سه چشم نخورد. راه حل سیاسی مسئله ناسیونالیسم، یعنی برابری واقعی حقوق خلقها، اقتدار ارگانهای حکومتی آنها در سطوح مختلف و غیره، ره به جایی نخواهد برد. در جمهوریهای آذربایجان و ارمنستان رهبران حزبی و آپارات حزبی - دولتی غالباً نقشی پیشتازی در بازسازی نداشتند و خود به درجیات مختلف تخت تا شرویا نمودند. گسراپیشات ناسیونالیستی قرار دادند. این البته تصادفی نیست، زیرا رکود اقتصادی موجود در شوری به بازاریا و سوداگران آن زمینه مساعدی برای رشد داده و همانطور که مثلاً در حوادث غم انگیز فرغانه در مطبوعات شوری اعلام شد، این نیروهای سیاه با استفاده از رضایتی حاصل از رکود اقتصادی و در جازدن سطح زندگی و در هماهنگی مریح و یا ضمنی آپاراتهای حزبی و اداری خواها و خامت هر چه بیشتر اوضاع، خرابکاری در روند تحولات سیاسی و اقتصادی هستند و اگر چه همه نیروهای ناسیونالیست الزاماً متعلق به طیف مافیائی سوداگران و بوروکراسی فاسد نیستند، اما در اینجا دفعتی که در آن بتوان امتیازاتی از دولت گرفت با آنها اتفاق نظر دارند.

در آذربایجان شوری، جنبش ارتجاعی اسلامی به عنوان پوشش مذهبی گرایشات ناسیونالیستی عمل می کند و البته دخالتی عوامل جمهوری اسلامی در این جنبش امری عادی است. رنگ سبز اسلامی ناسیونالیسم در آذربایجان، پوششی مناسب و در عین حال یک شیوه تجربه شده برای

جلب نیرو به اردوی ناسیونالیسم است. استفاده از احساسات مذهبی مردم ناسیونالیستی آذری که در فکرایجاد آذربایجان بزرگ هستند، امکان جمع آوری نیروی هر چه بیشتر را میدهد. در اینجا باید تاکید کرد که سواستفاده حکومت اسلامی و دخالتی آتسکاروبنیان فقیهای جنایتکار ایران در قضیه آذربایجان شوری، در نتیجه امکاناتی است که سیاست غلط اتحاد شوروی در برخورد با جنبش ارتجاعی اسلامی ایران، برای آنها فراهم کرد. اگر مردم شوری و آذربایجان



امکان آگاه شدن از فجایع و سبهاکارهای حکومت اسلامی در ده سال گذشته را داشتند، بی تردید امروز کمترین دهرچم سبز و سیاه فقیها بعنوان سبیل حرکت خود می افتادند.

در دو سال گذشته دولت شوروی از هیچ اقدامی برای حل مسأله آمیز مسئله قره باغ خودداری نکرده است. از تشکیل کمیته اداره قره باغ، واگذاری اداره امور آن به جمهوری روسیه، تلاش برای فعال کردن رهبران دوجمهوری و روشنفکران آنها به با درمیانی و آشتی و غیره گرفته تا یک رشته قوانین برای احیای حقوق اقلیت های ملی، اما تکرار فاجعه سومکایت دریا کوک که طی آن دهها ارمنی تنهابه جرم ارمنی بودن به قتل رسیدند، نشان داد که راه چای سیاسی تاکنونی همگی به بن بست رسیده و راه بجایی نبرده اند و این مشکل پیچیده و خطرناک کماکان موجود است. و بیش از آن در طرف با صلح شدن و کار بسرد سلاحهای سنگین از جمله هلی کوپتر علیه یکدیگر میروند تا فاجعای بیافریند.

تخلخل در رهبری شوروی نیز بایده عنوان یکی از عوامل افراط کاری ناسیونالیسم به حساب آید، زیرا این به عنوان عامل بساز دارندهای در شکل گیری یک سیاست واحد و پیوسته شکل گیری اداره واحد در اجرای سیاستها عمل نموده است. ناسیونالیسم بیشترین استفاده را از فضای ناشی از تعادل قوا بین گرایشات مختلف در رهبری حزب و بی ارادگی سیاسی عملی در بسک رشته از سیاستها کرده است.

بهر صورت در شرایط کنونی که خطر گشتارهای وسیع بین آذری ها و ارمنی در میان است و افراطگیری و خشم کور از هر طرف زیان می کشد، راهی بجز کنترل برای پائین آوردن فشار عصیبت و حاکم کردن جو آرامش و خونسردی برای شروع اقدامات سیاسی فوری و گفتگو و پیدا کردن راه حل وجود ندارد. ما امیدواریم که آذری ها و ارمنی رهبران اتحاد شوروی امکان اینرا پیدا کنند تا بشیوه ای انسانی و متعهدانه با مشکلات برخورد کرده و راه حل مناسب را بیابانند.

تعارض آشکار بود. مجلسیان بعد از کشمکشهای فراوان نامه ای در حمایت از ولی فقیه و در بابا سخ پیامنامه ای نوشتند که ۲۱۷ نفر از نمایندگان مجلس آتسرا امضا کردند. این نامه فقط لحسن و سبک عریض نویسی به "پشنگا رهبر" را نداد بلکه بابتندی شما در باره حق مجلس در نظارت بر دولت و مورد سوال قرار دادن وزرا، که مورد اعتراض نامه ای قرار گرفته بوده، سخن میگوید بجنوی که علی اکبر ناطق قوری در خاشیانه نوشت که این نامه در حمایت از رهبری بلکه دفاع از خود مجلس در مقابل رهبری و همطراز قرار دادن "مقام رهبری" با مجلس است!

فشار نامه با منیهای اقتضای بین بست بازاری و فرایس، نزاجا رمعی مردمی از رژیم، و ریت فقیه اسلامی را در غرقاب سیاسی فرور برده است. جدا نشی روز افزون حایان رژیم از آن، تمرد آشکارا نمایانند - گان حزب الهی مجلس از رهبری خنامه ای و به سخن در آمدن منظری، آغاز دورتازهای در پروسه از همپاشیدگی نظام مستگیری اسلامی در ایران است. # مرتضی آلویری نماینده تهران نیز در آتسرا سخنانی خود با یکی بردستیهای خنامه ای ریخته و گفت: "سوالی که نمایندگان مطرح می کنند اولین بار بوده و نه آخرین بار".

است که با قید "غیر مسئولانه" و "عدم مسئولیت" که در خرمایشات رهبری بوده است، "املاتنا سب ندارد" و مربوط به ما که از وزیر سوال کرده ایم نیست! (#) اما محمد عظیمی نماینده طر قبه از جناح با زار در همین جلسه خطاب به دوزدوزانی گفت: "آقایان می گویند خطاب مقام معظم رهبری ما نبوده است. من می گویم خودتان را گول نزنید". و تهدید کرد که "مگر میشود در دورانی که با همه سیاستها یا استکباری و متجاوز و روبرو هستیم، آزه دهیم مسئولان دیپلماتی کشور مورد تهاجم افرادی مسئولیت قرار بگیرند؟ درگیری جناحها و بسبج نیرو برای مقابله با طرف مقابل در شرایطی که رفسنجانی صحنه گردان اصلی رژیم هم با اظهار اینکه همه اقدامات دولت زیر نظر آقا (خنامه ای) انجام میگیرد، ضربه حملات را به سمت مقام رهبری میگرداند، ولایت فقیه را در تنگنا میسختی قرار میدهد. خنامه ای در حالیکه رشته امرا زکف داده است، با زستی خمینی و اربا صدور پیامی در تاریخ ۱۸ دی خطاب به مردم، مجلس و دولت و اینکه: "خنده در التوا مبه ولایت فقیه و شعیبت از رهبری، خنده در کلیت نظام اسلامی است و این جانب این را از هیچکس و هیچ دسته و گروهی تحمل نخواهم کرد" نمایندگان سرکش را تهدید کرد. اما چه سود چون با سخ نمایندگان مجلس بسک

ولایت فقیه در تنگنا

ادامه از صفحه ۱

در همین زمان سخنانی منتظری در حوزه علمیه قم علیه استبداد، زورگوشی و انحراف مسئولین نظام از اصول انقلاب اسلامی، چنان شرایطی را سه وجود آورده که رژیم تعادلش را از دست داده و اقدامات حساب نشده دست زد.

اعلام نام ۲۱۷ نفر از نمایندگان مجلس از ادب و تلویزیون در حمایت از خنامه ای، در حالیکه نمایندگان مجلس بیش از ۲۶۰ نفر هستند و ما ندهی سراسیمه نظرات فرمایشی در مقابل خانه منتظری و در دناشگاه تهران برای حمایت از خنامه ای، آشتی رژیم را به نهایت درجه آشکار ساخت. این حرکات منجر به نظرات متقابل هوا داران منتظری در نجف آباد صفهان و جلوه گیری از سخنانی نمایندگان جناح با زار در دناشگاه شده، همچنین نمایندگان جناح تندرو در مجلس علیه همه فشارها کوتاه نیامده بردن فقیه کوپیدند. دوزدوزانی نماینده تهران در مجلس در حالیکه گفت تلفظی از خنامه ای بر سریده است که آیا منظور او از "عنا صر غیر مسئول" آنها هستند یا نه، اعلام کرد: "شون و حقوق نمایندگان مجلس چیزی

مراسم یادبود مبارز انقلابی احمدهاشمی

لندن: یکشنبه ۱۷ دسامبر ۸۹
پس از گذشت غم‌انگیز احمدهاشمی و انتقال جسد او به ایران، مراسمی بمنظور بزرگداشت ویادبود آن رفیق درسالن یونیون دانشگاه لندن (م.ا.ا.ا.) برگزار شد.

این مراسم همکاری بخش پزشکی سازمان غفوی بین الملل و جمعی از دوستان و خانواده احمد بدوزیان فارسی و انگلیسی برگزار گردید. دراین جلسه در حدود ۴۰ نفر شرکت کرده بودند ابتدا به شرکت کنندگان خوش آمدگفته شد سپس بطور مختصر زندگی نامه وی خوانده شد، در قسمتی از آن آمده است:

"رفیق احمدهاشمی فعالیت سیاسی را از دوره دبیرستان در شهر بابل شروع کرد در آن موقع دو هفتاد و نه ساله در شهر بابل فعالیت سیاسی می کردند. احمد مسئولیت این دو هفته را به عهده داشت.

در شانزده سالگی هنگام فرار توسط گلوله دژخیمان ساواک شاه که بکمرش اصابت کرد فلج شد. دستگیری او و مصدق با اکتساب زندان قصر بود. در بیداری زندان پیشتر زخم شد و چرک شدید کرد بطوریکه همه منتظر مردنش بودند. سپس بنسبه بیمارستان شهر بابل انتقالش دادند.

احمد جز آخرین زندانین سیاسی زمان شاه بود که آزاد شد و او را فعالیت سیاسی را در سال ۱۳۵۰ چریکهای فدائی خلق دنبال کرد و در مقطع وسیع انشعاب اقلیت و اکثریت با اکثریت همراه شد.

پس از انقلاب سلطنت بیماری رستان همرتون هکنسی لندن ستری شود و روز بعد حین بیرون آوردن سنگ کلیه دچار خونریزی شدید شد و بدینسان آن قلب و کلیه ها آسیب دیدند و دچار عفونت عمومی شد.

با اواخر پس از ۱۱ روز مقاومت در سرگرمی شنبه ۱۱ نوامبر ساعت ۶/۴۵ صبح چشم از جهان فرو بست. از سال ۸۲ تا موقع مرگ احمد ۳۵ بار مورد عمل جراحی قرار گرفت.

احمد از حدود سال و نیم پیش در پی انتقال دبسه سازمان فدائیان اکثریت از آنها جدا شد و لیبی همواره تا آخرین لحظات زندگی اش مسافرت سیاسی را با علاقه مندی دنبال کرد.

این مراسم با خواندن تراشه مرا بیوس توسط یکی از رفقای احمد خاتمه یافت.

دشمنی آشکار با پناهندگان شده، حوادثی از این نوع در منطقه جنوب سوئد به موج گسترده نیروهای راسیست میدان میدهد.

ما تمامی تشکیلاتی دفاع از پناهندگان شخصیتها، احزاب و نیروهای مترقی سوئدی و مجامع حقوقی طرفدار حقوق بشر را فرا میخوانیم تا برای دستگیری و تعقیب قاتل وی پیگیری این حادثه غیر انسانی که جان یک پناهنده ایرانی را گرفت، به مسئولیت انسانی عمل نمایند.

هواداران سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) منظم اسکونه

سوئد - ژانویه ۹۰٪



زنان

اتوبوس ویژه برای خواهان

چندی است که شرکت واحد اتوبوسرانی تهران طرح اختتام اتوبوس ویژه برای خواهان را به اجرا گذاشته است.

این طرح از ۱۳ آبان در خطوط مختلف تهران اجرا میشود. طبق این طرح در هر مسیر دو اتوبوس را بطور ویژه به خواهان اختصاص داده اند. ولی از آنجا که زنان تنها بندرت در مسیرهای طولانی حرکت میکنند. با فشارهای بیگانه از جانب خیا بانی و با عابران حزب الله به زنان وارد میشود، کمتر زنی قادر به تنها بیرون رفتن است و زنان در بیشتر موارد همراه با خانواده خود به خیا بانی میروند. اتوبوسهای ویژه "عملاً در بیشتر موارد با ۶-۷ سر نشین زن در حرکتند.

به گفته یکی از رانندگان اتوبوس در تهران، این طرح در همان مدت کوتاه، درگیری بین رانندگان و مسافران منتظر در صفهای اتوبوس را ایجاد کرده است. و در مواردی درگیریها به کلانتری هسم کشیده شده است.

شرکت واحد اتوبوسرانی که بعد از مدتها اعتراضها و اعتراضات کمبود اتوبوس و معطلیها را نگاه داشته چاره جویی نکرده بود، بعد از مدتها انتظار طرح "اتوبوس ویژه" را اعلام نمود، و مسافران را انگشت به دهان گذاشت از "فکر بکر" و "خواهر بوسرانی" حضرات که در اتوبوسی نمیکنند.

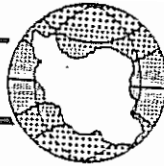
زنان و مسافرت

خبر رسیده که در هتلها به زنانی که تنها اقدام به مسافرت کرده اند تا قیاد داده نمی شود. البته طبق اطلاعیه دو ایرماکن عمومی کمیته انقلاب اسلامی، هتلها و مسافرخانهها تنها به افرادی که مدارک شناسایی معتبر دارند، اتاق میدهند.

ولی از آنجا که رژیم جمهوری اسلامی دانشگاهیان این پیچیده "بی حق و حقوق است، زنان علیه رژیم مدارک شناسایی معتبر گرفتن اتاق تنها را ندارند. این مسئله که اعتراض برخی زنان را برانگیخت موجب شده که محمد زاری معاون اطلاعات و عملیات فرماندهی کل به پاسخگویی برآید. وی که قبلاً مسئله را "الفتات" نمی نمود، گفت که مسافرت تنها خواهان منع قانونی ندارد! ولی خواهان از این حساسیت بیاداران پاسدار نسبت به خودشان دلگیر نشوند!

جالب است که جمهوری اسلامی با بوق و کرنا به میدان آمده زن "کالاشه" در سر میاید آری عاده حیثیت کند.

البته حضرات هول کرده، اول از خود سرمایه اعاده حیثیت کردند. سپس گوه تبلیغات "زن در اسلام" موش زانید، کالاهان کالاهان، تفاس و تدر شکل بسته بندی شد. و حالانگرا نیازی نیست که "سالم" به محل تحویل داده شود. طرح اتوبوسهای



اجلاس حقوق بشر در اسلام

کارشناسان کمیته حقوق بشر در اسلام از ۲۵ کشور اسامی بمدت سه روز در تهران گرد هم آمدند و پیش نویس " لایحه حقوق بشر در اسلام " را تنظیم نمودند. این لایحه قرار است در ماه مه سال ۶۹۰ در قاهره به تصویب وزاری خارجه کشورهای اسلامی رسیده و پس از تصویب سران ، در اجرای مفاد آن ملزم خواهند بود.

محمدتقی جعفری که لقب استادی را هم یدک می کشد و از جانب ایران در این گردهمایی محبت می کد ، در تشریح امتیازات اسر، نضحه نسبت به لایحه جهانی حقوق بشر چنین اظهار کرد: آنچه که به عنوان لایحه جهانی حقوق بشر در اسلام تنظیم شده است حاصل تفکر دانشمندان اسلامی نیست، بلکه میراثی است که از زمان پیغمبر (ص) برای ما باقی مانده است. لایحه ۲۸ ماده ای کنونی از منابع اسلامی اخذ شده است و حال آنکه اعلامیه جهانی حقوق بشر در قرن ۱۳ میلادی در اروپا نگاشته شده است (بنابر این) تفاوت اول در تاریخ است و وضع این قوانین است. "استاد" جعفری تفاوت دیگران نیز به رادرمینای نگارش آنها دانسته و اضافه کرد که " اگر آنجا که اعلامیه جهانی حقوق بشر بر مبنای آزادی بدون قید و شرط انسان نگاشته شده است تبعیت از آن نیز تابع منفعت فردی انسانهاست و حال آنکه در اسلام ضامن اجرائی قوانین خداست، وی در خاتمه با انتقاد در بند آزادی بیان در لایحه جهانی حقوق بشر افزود که:

" چگونه می توان برای آزادی بیان محدودی قائل شد و اجازه داد تا به بیامیران و برگریدگان جامعه بشری توهین و بی احترامی شود. اگرچه هنوز متن این لایحه منتشر نشده است اما اظهارات جناب استاد معلوم است که در لایحه اسلامی حقوق بشر از آزادی بیان و ضامن اجرائی حقوقی خبری نیست و بدست خدا سپرده شده است. در این اجلاس ولایتی وزیر امور خارجه رژیم و منوچهر متکی معاون ولایتی و حجت الاسلام تسخیری نیز سخنرانی کرده و از تدوین چنین لایحه ای اظهار خشنودی کردند. حجت الاسلام تسخیری از اینکه این لایحه می تواند مبنای اعتراضی به دولت ها باشد که مواد آنرا اجرائی کنند قرار گیرد اظهار رضایت کرد.

سران جای تکرار اسامی تنظیم این لایحه راه فرار مناسبی برای خارج شدن از فشار افکار عمومی و مراجع بین المللی که مداوما ایران را خاطر نقض وحشیانه حقوق بشر محکوم کرده اند، یافته

چشمها مراقب «کالیندوپل»

ادامه صفحه ۱

برسانیم، ایشان با دیدن آنند که مردم متمدنی جهان و همه ستمدیدگان ایران چشمه نتایج سفرا و ونحوه گزارش آن دارند و ایشان با دیدن کمال دقت و وسواس معیبت تمام چهره واقعی حیات سیاسی اجتماعی ایران و آنچه را که بر زندانیان کشور ما رفتند و اکنون نیز می رود، گزارش کند، از اینرو وظیفه همه نیروها و مردم آزادیخواه است که تماس خود با این هیئت چه در حین سفرو چه بعد از بازگشت را ادامه داده و مراقب باشند.

ولذا با تمام توان در محکم کردن و بستن و بیج و میهره های آن تلاش می ورزند.

پوست خریزه زیر پای خامنه ای

در درگیری اخیر جناح های حکومتی که دولت رفسنجانی شدت زبر فشار قرار گرفت چندین بار از جانب خامنه ای مورد حمایت و تأیید واقع شد، تا بلکه جناح مخالف دست از فشارها بردارد. وزیر خارجه رژیم ، ولایتی دوبار مجبور شد در مجلس نسبت به دعوت چائوشکویه ایران توضیح دهد، که بالاخره مورد قبول تعدادی از نمایندگان واقع نشد، به همین دلیل رفسنجانی در جلسه هئیت دولت برای دلداری و تقویت روحیه کابینه از یک طرف و از طرف دیگر برای انتقال از ضربیه از خود به خامنه ای همه اقدامات دولت خود را بیسه خامنه ای نسبت داد. در این جلسه رفسنجانی با اشاره به این که ما همیشه پشتیبانی و حمایت های باارزشی از ایشان (خامنه ای) داریم، ادامه

کارخانجات سه شیفته خواهد شد

نصمت زاده وزیر صنایع دولت رفسنجانی در بازدید از کارخانجات اراک ، خواستار سه شیفته شدن صنایع کشور به منظور افزایش تولید و ایجاد اشتغال شد (کیهان به دیماه) رفسنجانی و کابینه اش که در چند ماه گذشته با ارائه ارقام و آثار خارق العاده مدعی حل مشکلات اقتصادی و بازسازی کشور هستند، از طرف مردم جدی گرفته نشده اند چرا که همه ادعاها هنوز روی کاغذ تشریح نشده اند. تا آنجا که حساب و کتاب نویسی کبانه نیز با اضافه کردن سد خط به این خسر تیلیفات دروغین و خنثی آور آنها اعتراض کرده است

اداره بازرگانی بجای

ستاد بسیج اقتصادی

جمهوری اسلامی قصد دارد ستادهای ستاد اقتصادی را منحل کند. این خسر مدیرکل امور اداری وزارت بازرگانی اعظم کرد. بر اساس این طرح کلیه ستادهای بسیج منحل خواهد شد و بجای آنها در همه شهرها اداره بازرگانی شروع بکار خواهد کرد. با این طرح گردانندگان رژیم صریح دیگری بر بیکر سازمان حزب الله و جناح تندرو رژیم که در تشکیلات ستاد بسیج اقتصادی در دوره جنگ ریشه دوانده بودند، وارد می کنند و سمت آزادی تیمتیا در توزیع حرکت خواهد کرد. البته رژیم برای دلجوئی طرف مقابل اعلام کرده است که ۵۰۰ نفر از جانب زان و خانواده معظم شهدا در ادارات استخدام می کنند

داد که " البته توقع ما هم همین است ، چون ما علامت جری سیاست های خود ایشان هستیم و بی آشنائی که با اندیشه و تفکرات ایشان داریم وظیفه خود میدانیم که خواسته های ایشان را اجرا کنیم . در پایان خواست که بعضی ها قلب ایشان را مگردانند و حرکتی خلاف نظر ایشان انجام ندهند.

دستبرده کیوسک های کیهان

در پی تداوم فشارهای حقوقی به خبرنگاران کیهان در اغلب استانها و شهرستانها و شکایت شهرداران و استانداران از کیهان که اغلب موجب دستگیری و حتی محکومیت برخی از آنها شده است ، دستبرده کیوسک های مطبوعاتی کیهان روش فشار دیگری است که جناح مسلط حکومتی و مولفان بازاری اش بدان متوسل شده اند. طی ۲۰ روز گذشته سه کیوسک مطبوعاتی کیهان در کرج مورد دستبرد قرار گرفته است ، که در آخرین مورد شیشه های کیوسک شکسته شده و تعدادی از مجازات و کتا بهانه سرت رفتند است

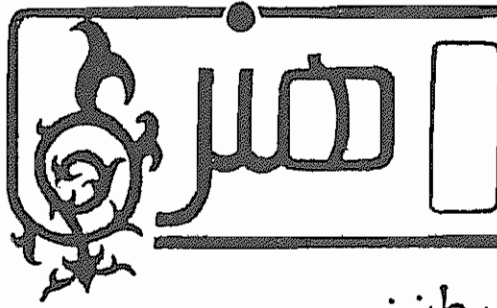
کیهان حساب و کتاب بای یک! برای افزایش تولید و جذب نیروی کسار بیشتر ، کارخانجات کشور بای یک ۳ شیفته شود . لایحه کارخانه های تسولید مواد اولیه این کارخانه ها در خارج از کشور نیز ۳ شیفته می شوند ۴۱ به این می گویند اقتصاد به شیوه بای یک ... محمد رضا نیما

دعوی جناحها بر سر چیست ؟

با زاربان محترم در مقابل تقاضای رفسنجانی و دولت او که بولپها را در راه توسعه و بازسازی صنایع بکار اندازند خواستار اینست که برای سرمایه های خود هستند و معتقدند که باید دولت قوانین برای تضمین امنیت در اقتصاد کشور بوجود آورد. این موضوع بحث داغی است که این روزها در جراید کشور منعکس است .



طنز در ادبیات فارسی



قدرت طنز

محمود ابراهیمی

طنز، هجو و هزل در ادبیات میهن ما نقش مهمی داشته و دارد، علاوه بر آن در تاریخ میازات مردم میهن ما همواره چونان سلاحی علیه دشمنان مردم به کار گرفته شده است. اینکه در ادبیات ما سر کشورهای جهان نیز بزرگانی چون شجر دین، شاه، برشت و عزیز نسین آثار بسیاری در این عرصه آفریده اند، خود گواهی بر اهمیت مسئله و لزوم برخوردی تحقیقی و گسترده با آن می باشد و این بحث تنها مدخلی است برای دنیا بزرگ. در ادبیات فارسی مزاح و مضحکه صرفاً جنبه شادی بخش داشته و هزل دارای جنبه های انتقادی، مبارزه جویانه و سیاسی بوده اند. در کتاب های لغت "لطیفه" به مجموعه آن ها خطاب شده که وجوه گوناگونی چون ننگویی، نیکوگویی و شادگویی را در خود داشته باشد. در باره هجو یا هجی، شهید بلخی می سراید:

شاعران را خواه حست مدیح

رودکی را خواه حست هجی است

در مورد هجو و طنز و ارزش های آن فردوسی آورده است که شا عر چو رنج بدگوید هجا

سما ندها تا قیامت به جا

سعدی در مورد اینگونه سخن گفتن است که می نویسد "دا روی تلخ نمیحت به شهید ظرافت برآ میخسته".

در آثار سعدی موارد بسیاری وجود دارد که می توان از آن ها به عنوان نمونه های برجسته طنز یاد کرد:

"یکی از ملوک بی انصاف با رسانی را پرسید: از عبادت ها کدام فاضل تر است؟ گفت: ترا خواب

نیم روز، تا در آن یک نفس خلق را نیا زاری".

"عابدی را پادشاه طلب کرد، اندیشید که دارویی بخورم تا ضعیف شوم. مگر اعتقادی که دارد در حق من زیادت کند، آورده اند که داروی قاتل بخورد و بمرد".

"درویشی مستجاب الدعوه در بنام دیده آمد - حجاج یوسف را خبر کردند، بخوانندش و گفت: دعای خیر بر من کن، گفت: خدا یا جانش بیست، گفت:

از بهر خدای این چه دعاست؟ گفت: این دعای خیر تراست و جمله مسلمانان را".

عبیدزاکانی نیز از بزرگترین طنزپردازان میهن ما است که سلمان را ساجی در راه اش گفته است:

چهنسی هجا گو، عبیدزاکانی

مقرر است به بی دولتی و بی دینی

عبیدوژیکی های یک طنز را چنین بیان میسازد:

اگر شربتی با یدت سودمند

زدا عی شنووشدا روی بند

ز پرویزن معرفت بیخسته

به شهید ظرافت برآ میخسته

هم چنین در آثار خداستان موش و گریه آمده است:

غرض از موش و گریه برخواندن

مدعا فهم کن پسر جاننا

در آفرینش نامد نیز مقصود هدف طنز را چنین بیان می کند:

فرا دما نصیحت بود و گفتیم

حوالت با خدا کردیم و رفتیم

عبید، هدف خویش از طنز را نه فقط خنداندن بلکه آگاه نمودن به تلخی های واقعیت های اجتماعی قرار میدهد و می نویسد:

به مزاحت نگفتم این گفتار

هزل بگذاز و بردار

و در آفرین پند از رساله صد پند در باره طنز نویسان می آورد که:

"هزل خوانمدا رید و هزلان را به چشم حقارت منگرید" اینک نمونه های از طنز برجسته عبید را ذکر می کنیم:

"سربازی را گفتند: چرا به جنگ نروی؟ گفت: بسه خدا سوگند که من یک تن از دشمنان را نشناسم و ایشان نیز مرا نشناسند پس دشمنی ما چون صورت بنده؟"

"اگرابی به حج رفت، در طواف، دستارش بر بودند گفت: خدا یا! یک بار که به خانه تو آمدم، فرمودی: که دستارم بر بودند، اگر یک بار دیگر مرا اینجسا ببینی بفرمای تا دندان ها می را بشکنند."

و در رساله صد پند می آورد: "سخن شیخان باور مکنید تا کمرها نشوید و به دوزخ نروید."

"راستی و انصاف و مسلمانان از با ریسسان مطالبید."

"حج مکنید تا حرص بر مزاج شما علیه نکنند و بی بمان و بی مروت نگردید."

در آثار فارسی هزل و هجو تا حدودی از هم جدا شده اند. هزل در بسیاری اوقات خصوصیات فردی و یک فرد را مورد خطاب قرار میدهد، به تنگنویسی خصوصی افراد نیز توجه دارد و گاه فقط برای خندیدن است و در هزلیات معروف فارسی از کلمات ترکیب بسیار استفاده شده است. مسایل جنسی نیز یکی از محورهای هزل را تشکیل میدهد. اما هجو به افراد به این لحاظ توجه می کند تا در حقیقت مسائل اجتماعی را مورد بحث قرار دهد و ما در اینجا برای آسان تر شدن مطلب درست دیدیم که طنز را در مقامی

با لاتر قرار دهیم. طنز به مسائل اجتماعی می پردازد و خنده و گریه را با هم دارد و کینه را بر می انگیزد. نمونه های بی زهر که می تواند مطلب را روشن تر نماید:

داستان "منظوم موش و گریه عبیدزاکانی به عنوان یک طنز تاریخی، چرند و پیرنده خدا و رساله اخلاق -

الاشراف عبیدزاکانی نمونه های طنز اجتماعی و بسیار زیاده از حد هادی از قضیه توب مرواری حاج آقا، نماشنا ما فمانه آفرینش تا طنز سیاسی که در بوف کور موج میزند، همه در مقوله طنز می گنجد.

هزلیات سعدی و بسیاری از اشعار بنام دیگر و رساله صد پند عبید، خبثیات سعدی نیز معرف هزل می باشد. هجو را شعری مختلف از موهبا ندکسه معروفترین نمونه آن هجو سلطان محمود در شاهنامه فردوسی است.

اگرچه بین این ها مرزهای قاطعی نمی توان کشید و گاه به راهی هجویات خود در حد طنز هستند. در ادبیات گذشته ایران به مسئله طنز نظر کلام

توجهی نشده، اما امروزه می توان با بررسی آثار هر که ما را بنا بر خصوصیات تنان درجای ویژه و قرار

دادن به ویژه آنکه اشعار و نویسندگان بزرگی چون عبیدزاکانی، سعدی، دهخدا، صوراسرافیل، مسادق

هدایت، سعدی، افراشته، میرزا علی کبریا برو، آثار بر ارزش در این عرصه آفریده اند و تا ریخ طنز

نویسی را با این همه آثار درخور توجه می توان به رشته تحریر در آورد. برای آنکه این دسته بنسندی

مفاهیم روشن تر شود ما را جمع به ادبیات مردمی نمونه های بی زهر که ما ذکر می کنیم:

طنز: "... می گویند در هیاهوی کمیوسدگار، یک سیگار فروش با لای سفاز اش نوشته بود: بهمن تمام

شد، آزادی ندا ریم، تیر موجود است."

"... یک روز رفسنجانی و خا منهای درون قایقی نشسته بودند، هوا توفانی شد و قایق در آب فرورفت

اگر گفتند چه کسی نجات پیدا کرد؟ معلوم است، مردم ایران"

هجو: "به خمینی گفتند: معجزه ات کو؟ گفت مگسر نمی بینید که کوسه را به خشکی آورده ام!"

"در یک نما ییگا هجا نی مغز بزرگان و دانشمندان را که مرده بودند می فروختند، ناظری که از قیمت ها تعجب کرده بود پرسید: چطور مغز نشتین و شکسیر

مددلارا ما مغز خمینی هزار دلار؟ متصدی جواب داد:

آخر آن ها زیادگار کرده اند در حالی که مغز ایشان آک بنداست و اسلاکار نکرده!"

رفسنجانی را "ملیجک دربار" و "کوسه" و منتظری را "گریه نره" لقب داده اند.

هزل: "بعد از مرگ بهشتی، کارگری که پاها پیش را پیدا کرده بود فریاد می زد: بهشتی، بهشتی، چه ساق پایی داشتی!"

"رفسنجانی برای مدا و به خارج رفت و پزشکان موفق شدند چند تا نه ریش در صورتش بکارند و وی این تلگراف را برای امام مخابره کرد: ایران، تهران

جماران، بزرگ عماد را با کبر سلامت، ریشش

بقیه در صفحه ۶

قدرت طنز

ادامه از صفحه ۵
درآمد

ذکر نمونه‌ها بی‌اثر کرد اما زکلیات سعدی نی—
می‌توانند مطلب را روشن تر نماید:
طنز:

— در میرو و وزیر و سلطان را

بی‌وسیلت مگر دپیرا من

سگ و چوپان و چوپا فتنه غریب

این گریبان نش‌گیر آن‌ها من

— اگر زباغ رعیت ملک خورد سیمی

برآورد غلامان او درخت از بیخ

به پنج بیضه که سلطان ستم‌رو دارد

زنند لشکریا نش‌هزار مرغ به سیخ

هجو:

— الحق امتای مال ایتام

هم چون تو حلال زاده‌ها بینه

هرگز زن و مرد و کفر و اسلام

نفس از تو خبیث تر نژاد بینه

اطفال عزیزنا ز پ—رورد

از دست تو بر خدا بینه

ظفان ترا پدر می‌راند

تا جو روحی بی‌زما بینه

هزل:

— خواستم تا زلی گویمت از روی قیاس

با ز گویم نه که صد باره از آنحضرتی

ملخ از تخم تو چیزی نتواند که خورد

ترسم از زگر سگی تخم ملخ را بخوری

طنز، هجو و هزل به علت جنبه انتقاد دیشان، موجز

بودنشان و امکان انتقال شفا می‌آید، اما درجا مع

دیگتا تورزده‌ها که با رمدها سال دیگتا توری و ستم

و جهل را بردوش می‌کشند و تنها گاه به گاه خلق را مجال

نفس تازه کردن بوده است و خنده نه برای شادیلکه

به مثابه سلاحی علیه ستم و غم، جهل و فریبکاری بر

لب‌ها نشسته، از محبوبیت بسپار بر خوردارند،

قهرمانان شهیر آثا رطنز مانند، ملانصرالدین،

بهلول، جحی و کچل همبای سا یر قهرمانان ادبیات

مردمی رشد کرده و در میان قلوب توده‌ها راه یافته

— اند، لطیف و هجویات عبیدمانند شعرا فظ‌دهان

به‌دهان و سینه به سینه انتقال یافته‌ها و گاه به

ضرب المثل تبدیل شده است، بعنوان نمونه! بین

جا یگانه می‌توان به سیر تحول طنز و گونه‌های مختلف

آن در جنبش اخیر ایران پرداخت. همانگونه که

همگان می‌دانند بسپار ز شعراهای جنبش بویژه

آن‌ها را که به سرعت همه‌گیر می‌شد، طنز تشکیل میداد.

این شعراهای سیاسی همبای تحولات سیاسی جامعه

تحول می‌یابد و خود موجب تحول می‌گردد و این قدرت

طنز است که گاه حتی می‌تواند زمان بدهد و

تغییرات جدی در روند حرکت اجتماع را ایجاد

نماید، اینک چرا طنز در این دوره بیشتر شفا می‌ست

و جنبه ادبیات مردمی دارد، را با پدرشرا بیسط

اختناق زمان شاه و شور و هیجان روزهای جنبش

جستجو کرد، برای مثال می‌توان این شعرا را ذکر

کرد:

— زهای کوساله‌های سگ چارستاره، با زمبگو

نواره، نواره که با نواره، نواره که دست نواره

— بختیار، بختیار، نوکری بختیار

— ما می‌گیم شاه نمی‌خوایم، نخست وزیر عرض می‌شه

"ما می‌گیم خر نمی‌خوایم، با لون خر عرض می‌شه"

— "مدد ما غنفتی، چرا گذاشتی رفتی"

پس از فرو نشستن امواج جنبش و در اولین روزها

که تا زه‌صدای پای آزادی می‌مدودسته‌جات چماق‌دار

نتوانسته بودند همه چیز را درهم بکوبند، روزنامه

های طنزنا نشا ریا فتنه و چون سنگری استوار بر سرای

دفاع از آزادی و کوبیدن سنگ‌های استبداد

و دیگتا توری و جهل و فریب‌بری ایستادند که از

آن جمله می‌توان از نشریه طنز "آهنگر" نام برد.

متاسفانه این وضع چندصباحی بیش نپاشید، دسته

— جات چماق‌دار قدرت گرفتند و همه چیز را به خاک و

خون کشیدند.

اما طنز، طنز مبارز و عصیانگر از لابلای روزنامه‌ها

به قلوب مردم راه گشود و به عنوان شیوه‌ای از مبارزه

در دوران شکست و سرکوب قدری فراشت، هیچ کسی

نمی‌تواند متکرر آن شود که طی چندسال اخیر که موج

سرکوب و قدرت‌آهریمنی دیگتا توری کوچکترین

نشان آزادی باقی نگذاشته، دوران شکست و

پاس‌فرا رسیده است و دولت هرگونه حرکتی را با

شدیدترین وسایل به خاک و خون کشیده و سرکوب

می‌کند، طنز به مثابه یک سازمانده، یک بسیج‌گر

به عنوان شکلی از مبارزه همگانی قدرت‌مهییب

خویش را به رژیم ضد مردمی نشان داده است. هر لطیفه

و طنزی که علیه سران رژیم و یا حرکت‌های مردمی

آن‌ها ساخته می‌شود هم چون یک اعلامیه یا بیانیه

حتی مرزهای کشور را به سرعت در می‌نوردد، ده‌ها ن

به‌دهان پرواز می‌کند، حول خود نیرویی گرد می‌آورد

این نیرو را بسیج می‌کند و در آن روح امید و مبارزه

بر می‌انگیزد، لبی را به خنده می‌گشاید، سری را از

زانوئی بر می‌گیرد، خشی را می‌شکند و مشتری‌آگره

می‌کند. شگفت نیست که لطیف عبیدمانند زکشت

چندصدسال سینه به سینه نقل می‌شود و هر کس

مقتضای زمان نامشخصیت‌های ناطیفه را تغییر

می‌دهد، اما جوهر عصیان آن باقی می‌ماند و قدرت

شگرف خویش را در میان توده‌ها به معرض نما

می‌گذارد.

طنز در جوهر خود سیاست حتی هنگامیکه به مسائل

فردی پیش پا افتاده می‌پردازد سمت و سری کاملاً

سیاسی دارد، چنانکه شاه هنگامیکه "رفت" و منتظری

زمانیکه زولایت عهدی برکنار شد، از گردونه طنز

مردمی خارج شدند، حکومت‌ها و اشراف همه همپس

سبب تلاش نموده اند تا این حربه را به خدمت خود

درآوردند، وجود دلک‌ها در دریاها یگوناگون

نمونه‌ای از این تلاش می‌باشند، رضا شاه نیز پس از

سرکوب جنبش‌های خلقی در خراسان و گیلان

و آذربایجان و کردستان و بر بستر تاملات شوینیتی

خود سعی کرد تا این سلاح را به سوی مردم بازگرداند

و بیپوده نبود که لطیفه‌های بسپار بویژه علیه

خلق‌های مبارزان بین منطقه‌ها در بین مردم گسترش
داده می‌شد.

طنز به عنوان مضمون محوری خویش همواره علیه
دیگتا توری و استبداد و جهل و فساد استیز بر خاسته

است، با یرضا مین عمده طنز بنا بر شرایط حاکم
تعیین می‌شده و نقاط اوج آن در دوران شکست و

تدارک برای خیزش مجدد است و قدرت بسیج‌گر آن
از همین جا ناشی می‌شود. در عصر استیلای خونبسا ر

مغولان، غلامبارگی، ارمربا ز یوریا کاریکسترش یافته
وزاهدان، محتسبان، گزمگان و فقیهان فرمسان

میرا نند و لذا عبید، سعدی و حافظ با همین عمال و
مظا هرستم به نبرد بر می‌خیزند:

شنیدم که سیوه زنی درد منمند

همی‌گفت ورخ یرزمین می‌شاهد

هرآن کدخدایا که بر بیسوه زن

ترحم نپاشد ز نش‌بیسوه با د "سعدی"

زاهدان کابین جلوه در محراب و منبر می‌کنند

چون به پنهان می‌روند آن کاردیگری کنند

"حافظ"

محتسب‌گون برهنه در بار

تخمه را می‌زند که روی بسپوش

"سعدی"

آن را که داده اند دهمین جا ش داده اند

و آنرا که نیست و عده به فرادش داده اند

"عبید"

در دوران استبداد قاجار و پس از سرکوب جنبش‌های
مردمی در سراسر ایران و در زمانیکه خلق برای جنبش

مشروطیت تدارک می‌بینند بر دیگر طنز مردمی
دیگتا توری و جهل، عمال حکومتی، السلطنه‌ها،

الدوله‌ها و لدین‌ها را به تازیانه طنز می‌بندد.
روایت می‌کنند که زمان محامره قلمه شوفا توسط

آقا محمدخان قاجار، شاه مردمی ملاپناه و اقسف
اشعاریه به طنز سروده و با تیر به میان لشکری‌پرتاب

می‌کرد که بلافاصله و در زیا نها می‌شد، پس از سقوط
قلمه و دستگیری شاه، شاه فرمان می‌دهد که با بسد

بالبدا هه شعری در وصف من بسرا ئی که گاه ملاپا
حقیقت مظا بقت داشته باشو شاه عمر می‌سراید:

نه فرستوراه مدح عالیت کنم

نه فضل توراه شعرا لیت کنم

نه ریش توراه که ریش خندت سازم

نه خایه توراه که خایه ما لت کنم

"آقا محمدخان اخته" و "بجی مظفر" از القابی
است که مردم به سران حکومت می‌دهند، چرند و پرنسند

دهخدا و روزنامه نسیم شمال و اشعاریه میرزا علی‌کبر
ما بروکتاب معروف وی هوب هوب نام همه سرشار

از طنزی گیرا علیه ستمکاران، السلطنه‌ها و لدین‌ها
است.

در دوره استقرا و مجدد دیگتا توری و سرکوب
جنبش‌های خلقی در زمان شاه بویژه آثا رسادق

هدایت مظا هرستم و جهل و خرافات چون "حاج آقاها"
"لکاته‌ها" و "بیر مردهای خنزرنپزری" و آثا رحمد

— علی‌فرشته "بازاریان"، "کافرماها" و "خان‌ها"
بقیه در صفحه ۸

سرما به داری در حکم ما ختمان آن سیستم اجتماعی با اقتصاد دی است، که سوسیالیسم را بنا بر آن در مقایسه قرار دارد، سوسیالیسم بعنوان سیستم اجتماعی خود ویژه در اروپا رویی با آن سازمان می یابد. همزمان سرما به داری چون سرچشمه ای که اشکال نوین مناسبات اجتماعی در آن زاده می شود تجلی کرده، از آنجمله چنان مناسباتی که در خلعت خویش با سخگوی منافع زحمتکشان بوده و می توانند در جا مع سوسیالیستی بکار گرفته شوند.

در نظریات شوروی بارها از وجود نواقصی در

در حیات اقتصادی اتخاذ گردید. از جمله این اقدامات - کاهش فعالیت های اقتصادی گسترده مستقیماً توسط دولت انجام میگرفت و بازنگری در قوانین اقتصادی پیش بینی کننده تنظیم زاید بود. همچنین خصوصی کردن موسسات بطور گسترده ای صورت گرفت - فروش وسایل تولید موجود در دست دولت به افراد خصوصی و یا موسسات آنها، در حقیقت تاکنون انطباق مناسباتی بین دخالت دولتی در روند اقتصاد و شکل آزادانه بازاری بسدست نیامده است.

بسیوی مفهوم معاصر سوسیالیسم (۲)

مسائل نظری :

تربیبون بحث پراودا

در تبیین سرما به داری معاصر، مندرج در نظریات، بارها، مخصوصاً اصل شمر بخشی اقتصاد سرما به داری بیش از اندازه مطلق گردیده است اما طبقه سرما به داری را نه تنها علاقه مند به سود آتی خویش نبوده، بلکه در مدد حفظ تقویت دولت متعلق به خویش نیز هستند، نمی توان کاملاً عوامل اجتماعی نشأت را تا دیده گرفت. در رابطه با آن در بسیاری از کشورهای سرما به داری، برنا مهربی "استهلاک اجتماعی" اهمیت زیادی کسب کرده، پیشنهاد توزیع مجدد بخشی از درآمد ملی با هدف کاهش تا ثیرات منفی در مناسبات اجتماعی طبقات و گسست مادی جامعه را شده. در سالهای هفتاد در بسیاری از کشورهای پیشرفته سرما به داری در نتیجه مبارزه طولانی و سرخاستن زحمتکشان در دست - یا بی به حقوق خویش، سیستم تا مین با زنجستگی بیمه بیکاری، حفظ سلامتی، بر اساس پرداخت حقوق عفو است از جانب بیمه کنندگان - کارفرما بسان و دولت وضع شد. در بسیاری از موارد از تجربه کشورهای سوسیالیستی بهره گرفته بودند.

درا و خراسانهای هفتاد بیست مشکلات مالی، تا مین آتی افزایش معارف اجتماعی غیر ممکن گردید، وضعیت جدید اقتصاد، ذینفع بودن طبقه حاکم را در حمایت از خواست قابل پرداخت با کمک معارف اجتماعی را یک مرحله به عقب انداخته.

نتیجتاً در اوایل سالهای هشتاد سهم مصارف اجتماعی در اکثر کشورهای سرما به داری پیشرفته متعادل شد و یا کاهش یافت.

دردهها خیر دگرگون نیای زیاد دی در ساختار تکامل اجتماعی جوامع سرما به داری رویداد، که یکی از شواهد آن "بحران اشتغال" بود. علت این تشدید هر چه بیشتر انتقال تولید اجتماعی بسنه با یکا ه تکنولوژی جدید صرفه جویی در کار، جایگزینی کار پیچیده با ساده بود. هنگام مبررسی سرما به داری معاصر جای دار دکه کاملاً ملاحظ بین المللی شدن سرما به و تولید را در نظر گرفت. یکی از نمودهای این پروسه، رشد شدید سرما به فرا ملیتی - انحصاری است. بین المللی شدن تولید با گسترش وسیع

مناسبات بازاری سرما به داری سخن گفته اند. وقوع بی ثباتی ادواری رشد اقتصاد، سیستم ناعادلانه تقسیمات اجتماعی، اولویت منافع انحصاری بر منافع جامعه و غیره - با اینحال اقتصاد بازاری سرما به داری از پتانسیل های بالایی برخوردار است. رقابت، تولید کنندگان منفرد را و میدارد در جهت دریافت سفارشات با یکدیگر مبارزه کنند. در روند مبارزه آنها، بسنه موازات و ورشکستگی ضعیف ترها و کم تدبیرها، بهبود کیفیت کالاها صورت می گیرد، زیرا کیفیت کالا، پیش شرط تعیین کننده ای برای حراست بازار و دریافت سفارشات جدید محسوب میشود. افزایش با زدهی تولید، تلاش جهت کاهش هزینه های نیروی کارگری به هر وسیله که امکان دارد، از اینجاست که میشود.

بمنظور جبران نیروهای خود بخودی بازار در تمام کشورهای صنعتی و پیشرفته سرما به داری قرن بیستم، اهرمهای اقتصادی دولتی بطور واقعی گسترده شده بود. فعالیت و تنظیم دولتی، در نتیجه سرما به داری دولتی - انحصاری بوجود آمد. مکانیزم اقتصاد، در آمیزی شکل بازاری و دولتی اقتصاد سرما به داری، نتایج محسوس اقتصادی بسنه دنبال داشت سرما به داری توانست انقلاب تکنولوژیکی را "زین کرده" (بر انقلاب تکنولوژیکی سوار شود - مترجم)، نوسازی ساختاری کل مکانیزم تولید را شروع کند و رشد افزایش با زدهی را تا مین نماید.

اما در نیمه دوم سالهای هفتاد در اکثر کشورهای پیشرفته صنعتی، دامنه نوسانات اقتصاد دایز دوره ای به دوره دیگری افزایش یافت؛ پروسه های تورمی توسعه یافت که افزایش بیکاری را به همراه داشت؛ روند پیدایش بازارهای جدید متوقف شد، افزایش سرما به گذاری و میزان با زدهی کار از شتاب افتاد مسلم گردید در دور جدید، دولت که دخالتش در اقتصاد سابقاً همچون درمانی برای تمام می دردها ارزیابی میشد، خود در نقش عامل بی ثباتی ظاهر میگردد. یکی از دلایل، که بطرز بارز و نگرانی رده گسرد، بوروکراسی پیشرونده بود، که حیات اقتصادی اکثر کشورهای سرما به داری پیشرفته را از فعالیت انداخت. بهمین علت تصادفی نیست، که در بسیاری از کشورهای تدا بیری در جهت محدودیت دخالت دولتی

اتوماتیزاسیون انعطاف پذیر که تا مین کنندنده سریع تنظیم تولید مواد خام کم حجم بود، تحرک یافت این امر امکان ایجاد تولید با طرازا توما تبکی با لارز افزایش آورد، در این صورت، ضرورت بریابی موسسات فوق العاده بزرگ در کشورهای جدا گانه چنانچه قلاب بود، منتفی میشود.

سطح کنونی وسایل تکنیکی خبری آنچنان است که امکان اداره موسسات موجود در کشورهای مناطق مختلف دنیا، سرما به داری را بوجود می آورد و با بهره گیری از ماشین های حسابگر الکترونیکی و ارتباطات تصویری و فضای کنونی که بر تولید و فروش آگاه بوده، و تشریح کننده سودآوری و مقرون به صرفه بودن تولید در تمام بخشهای آن هستند، امکان تصمیم گیری و تنظیم برنامهمعمومی تولید و فروش در مقیاس جهانی را فراهم آورد.

تمامی اینها امکانات جدیدی برای شرکت های فراملی در مقایسه با موسسات ملی معمولی، حتی بسیار کلان آنها بوجود آورد، شرکت های فراملی امکان می یابند بدون احساس محدودیتی از لحاظ جغرافیایی و مرزی، هرجا برای بستان سود آوری است، سرما به گذاری کنند.

اختلافات بنیادی سرما به داری و سوسیالیسم با اشکال مالکیت و خلعت قدرت سیاسی مشخص میگردد با وجود تمام این اختلافات هر دو صورت بنسبتی اجتماعی - اقتصادی متعلق به یک تمدن بشری هستند.

برای تمدن جهانی و آخر قرن بیستم، با همه تفاوتهای منطقه ای، یک سری صفات و علائم طبیعتاً مشترک، تکنیکی، سیاسی و فرهنگی از آنجمله: سطح قابل انطباق رشد صنعتی؛ بکارگیری اشکال گوناگون مناسبات پولی - کالایی و تعدادی اصول مشابه در سازمانهای اجتماعی، اعتراف بسنه ضرورت حمایت از مصونیت فردی وجود دارد. تلاش فزاینده ای جهت حل مشترک مسائل جهان معاصر حراست محیط زیست، جلوگیری از درگیری هسته ای و تا مین امنیت بین المللی، بیسار زده با عقب ماندگی اقتصادی، گرسنگی، بیماریها و غیره، مشا هده میگردد.

البته، هر صورت بنسبتی صفات ماهوی خویش را دارد راست. اما این صفات، همکاریهایی معین دوسیستم را نمی کنند. مسایل اصلی موجود در مقابل جامعه جهانی با نظرات تمام مسمی اختلافات گوناگون سرما به داری و سوسیالیسم را میتوان در موارد زیر توضیح داد:

- رسد اقتصاد بر پایه افزایش کارایی تولید؛
- تلاش در راه رسیدن به میزان بالایی با زدهی کار؛
- تلفیق موثر تنظیم دولتی و رشد مناسبات کالایی بازاری؛
- همگرایی و بین المللی کردن تولید؛
- حمایت از تا مین اجتماعی شهروندان، دیکراتیزه کردن زندگی؛

بقیه در صفحه ۸

بسیوی مفهوم معاصر

ادامه از صفحه ۷

برسمیت شناختن نقش مشترک ارزش‌های انسانی در رشد فرهنگ.

کلیه این ماسایل دارای سرشت مشترک مدنیت است که خودزاییده سطح تکامل جامعه کنونی است. یکپارچگی و وابستگی متقابل جهان معاصر، اولویت منافع تمامی بشریت بر منافع طبقاتی نیز مشترک انسانی کردن زندگی اجتماعی در تمامی ابعاد ملی و بین‌المللی آن، تحلیل واقع‌بینانه ماسایل جهانی و کاهش راه‌های جدید پیشرفت - همه این وظایف بسیار جدی و کاملاً نوین را در رشد تمدن بشری فرا روی ما قرار می‌دهند. منافع و نظرسرات مشترک (در مورد صلح و امنیت، محیط زیست، حقوق بشر، رشد ملی و منطقه‌ای و غیره) از ارجحیت برخوردارند و در نتیجه ماسایل قرابت در ماسایل ناهمگونی زندگی داخلی در سیستم اجتماعی، فرهنگ و روان‌شناسی آنها در نموده‌های از اینگونه؛ چون کمال و قابل دسترس بودن اطلاعات، ارتباطات، ترابری و اطلاعاتی یگانگی، سیستم و احداث بین‌المللی، درک و حمایت مشترک از حقوق و منافع فردی، محو و پیشگیری از جنگها در تمدن کنونی و آینده با زتاب می‌یابند.

با اتکال استوار بر موانع تاریخی - ماتریالیستی مابایستی به شیوه‌ای نوین به ماسایل تمدن بشری و صورت‌بندیها در جهان کنونی بنگریم. با حفظ تمايزات سیستماتیک و ملی موجود، خودویژگی دولتها و خلقها؛ خطوط اصلی جامعه تمدن رشد و وابستگی و منافع متقابل آنها، تحکیم همکاری متقابل مشترک، صلح و انسانی کردن تمامی جوانب حیات اجتماعی هر چه رساتر آشکار می‌گردد. میتوان ادعا کرد که انسانی کردن مناسبات اجتماعی نه‌اتفاق، نه‌وقت، بلکه هدفی مشترک و همیشگی در رشد بشریت چون تمدنی یگانگی‌محور می‌باشد. هر صورت‌بندی - تنها مرحله‌ای در پروسه این تکامل است. در این روند، سوسیالیسم بهترین‌های موجود در تمدن معاصر را جذب می‌کند. بهرحال، نباید فراموش کرد که سوسیالیسم -

قدرت طنز

ادامه از صفحه ۶

را به مردم معرفی و رذائل آنان را بر ملا می‌سازد. بنا بر شواهد تاریخی و آنچه گفته آمد می‌توان ویژگی‌های طنز را چنین برشمرد:

طنز آئیده شرایط اخلاق و دوران شکست و تدارک است.

طنز در جوهر خود سیاسی و عمیاً نگر است، عمیاً نعلیه‌بیدارگری، جهل، سکوت و سکون.

طنز ماسائل اجتماعی را مورد توجه قرار می‌دهد.

طنز خصائل انسانی راستایش کرده و رذائل را رسوا می‌سازد.

طنز جسور و بی‌پرواست و از جادترین ماسائل سیاسی

مرحله‌ای انتقالی به کمونیزم بوده، اما نتیجه این رشد نیست. در این رابطه روشن است که سوسیالیسم نمی‌تواند دارای آنچنان خطوط و فرایض محتوم و بسته باشد، که آنرا بعنوان صورت بندی ایزوله شده‌ای جدا می‌کند؛ قبل از هر چیز اینها شواهد (گرایشات) رشدیابنده‌ها معاً آینه‌ساز و اشکال انتقالی به مرحله‌ای تر تمدن هستند. در اینجا ضرورت تبیین کاملتر، همه‌جانبه‌تر مفیوم سوسیالیستی جامعه، سیمای نوین آن که مابسیوی آن روانیم، پدیدار می‌شود.

مدل لینی سوسیالیسم مهمترین منبع برای تفکر کنونی سوسیالیسم محسوب می‌شود، اما مراجعه به آن بایستی از خصلتی خلاق برخوردار باشد. نبایستی در نزد لنین بدنبال پاسخ‌های آماده به ماسائل معاصر گشت.

این پاسخ‌ها را علم و عمل رزانه‌ها، محسوسات کمونیت اتحاد شوروی با جمع بندی دستاوردهای علم و براتیک بما می‌دهد. تکامل خلاقانه آموزش لینی سوسیالیسم، در اسنادیلنومهای کمیته مرکزی حزب کمونیت شوروی نوزدهمین کنفرانس در سخنرانیهای م. س. گورباچف منعکس گردید. در آنها تا بلوی واقعی سوسیالیسم معاصر، سوسیالیستی که پروسترویکا بوسی آن روانست - دمکراتیک، انسانی بر پایه دستاوردهای نوین پیشرفت علمی و علوم رهبری ترسیم شده است.

اگر در مقابل جامعه، وظیفه بخشیدن "امروزی ترین شکل به سوسیالیسم، که با شرایط و مطالبات انقلاب علمی فنی کنونی منطبق بوده و رشد مقبول جامعه شوروی را تامین کند" (م. س. گورباچف، اکتبر و پروسترویکا انقلاب آدامس دارد، مسکو، ۱۹۸۷، صفحه ۳۱) قرار دهیم، در نتیجه لازم است، قسلاً هر چیز آرمان سوسیالیستی را دقیقاً مشخص کرده و سپس به آن جامعه عمل پیونانیم.

بینش نوین سوسیالیسم عبارات را زیر استوار می‌بایستی دارای ساختمان دامنه‌داری باشد که تعیین کننده عناصر ساختاری جامعه آینده است یا تنها قرائند مشترک مطالبات، اصول و موازین است؟ در وهله اول بینش نوین سوسیالیسم وظیفه دارد به بنای نوین، ویژگیهای هر چند مقدماتی اما به اندازه کافی پرمضمون، در عرصه اقتصاد سیاست، ایدئولوژی مشخصه، تشریح و توصیفی از ساختاری که قرار است در عمل تحقق یابد، دست

روزتا اینها نی‌ترین و پشت‌برده‌ترین آنها را به صحنه می‌کشد.

طنز امیدوگر می‌بخشد، خنده بر لب‌ها می‌نشاند تا سکون و غم‌برود و حرکت و پویایی بیافازد.

طنز بر تضاد استوار است، هرگونه تضادی را مسورد توجه قرار می‌دهد، محروم‌ترین و شکست‌خورده‌ترین افراد در مقابل باخشن‌ترین و قدرتمندترین - دیکتاتورها، دست‌وپا چلفتی‌ترین فرد در پیچیده - ترین سیستم بوروکراسی، ساده‌لوح‌ترین روستایی با زیرک‌ترین شهری.

طنز موجود و کوتاه‌است و گاه حتی در یک کلمه خلاصه می‌شود و به این لحاظ شعراست.

طنز سنگری برای بسیج و سازما نگری قدرتمند است.

دهد. تنها در مرحله‌ای است که سخن می‌تواند، بر سر مطالبات اصولی (عدالت اجتماعی بیشتر، برابری بیشتر، دمکراسی، علنیت و غیره) باشد. اما در این صورت سافت‌ها و مکانیزم‌های معینی که قرار است فامان اجرای اصول و مطالبات باشند، مطلق نیستند.

السته این سئوال پیش می‌آید، که کلاتا چه اندازه راه ساختمان سوسیالیسم موجه است! تصور می‌رود که راه مدلهای طرح ریزی شده تجربی مشت از "بهترین صفات جامعه" بسه سادگی بسیوی دمکراتیزم می‌رود، اگر شناخت جامعه سوسیالیستی به نحوی از انحا "از بالا" بلاغ شود، و سرچشمه آن از زندگی، از واقعیت‌های روابط براتیک احتمالی نباشد، بنظر می‌رسد برخورد واقعگرایانه تر عبارت باشد از، بزوشها شایدر مناسبات جاری انسانی، در جوهر خواست‌ها و منافع گروههای اجتماعی، برخورد و همکاریهای آنها و در بررسی نفاذهای واقعی جامعه.

بدیگر سخن، در کمون سوسیالیسم نبایستی با دورنمای رشد جامعه که وظایف امروز هستند در روبرو قرار گیرد. بالعکس، همانا مقتضیات زندگی سیاسی جامعه ای را که پروسترویکا در تلاش یجما د

آنست، معین خواهد ساخت هر برداشتی از سوسیالیسم، قبل از هر چیز باید تا مین گذشته معیار سوسیالیستی بودن را که تحت آن میتوان اولهیت انسان، خواست‌ها و منافع او را درک کرد، باشد. سوسیالیسم - نظامیست که انسان را از ظلم و استثمای رها می‌بخشیده، او را در کانون توجه زندگی اجتماعی قرار داده، موجبات رشد آزاد هرکس را در شرایط رشد آزاد همگانی بوجود می‌آورد. هنگامیکه درباره رهائی انسان از رنج سخن می‌گویند، اغلب آنرا محدود به استثمای اقتصادی انسان از انسان کرده و تقریباً از رهائی سیاسی وستم اجتماعی او چیزی نمی‌گویند. در صورتیکه استثمای روستم‌گری یکی نیستند، در استثمای سخن بر سر تمام محصول اضافی است که توسط یکی گرد آمده و دیگری آنرا تصرف می‌کند، اما ستمگری - در مورد سرکوبی و تمام حباب راده شخصی است.

جامعه انسانی در سوسیالیسم عهده‌دار تا مین بنیادهای اقتصادی آزادی هر فرد و هر شهروند است، که بدون آن سوسیالیسم ممکن نیست و دمکراسی سوسیالیستی واقعی امکان ندارد.

بنظرمی‌رسد که تغییر شکل دمکراسی سوسیالیستی نه تنها مربوط به سواستفاده از قدرت است، بلکه ریشه در ویژگیهای

اقتصادی سیستم اداری خرمای ندهی دارد. در شرایط حاکمیت بلامانا زع شکل دولتی مالکیست، اشکال بیشین استثمای روجود ندارد. اما، امکان فقدان معیارهای اجتماعی - اقتصادی آزادیهای فردی وجود دارد. آخر، کیش شخصیت، غصب حکومت و اشکال توتالیترستی رهبری در کشورهای مختلف سوسیالیستی، همانا در اساس خویش دارای شکل دولتی مالکیست استوار و وابستگی اقتصادی و در نتیجه سیاسی فردی بودند.

ادامه دارد

برعلیه کودکان

ادامه از صفحه ۱۲

از آغاز قیام " انتفاضه " بنابه گزارش دولت اسرائیل ۵۰۰ کشته به جای مانده است. قیام کنندگان این رقم را ۶۰۰ نفر برآورد می کنند. بیش از ۱۰۰ تن از شهدا کودکان زیر ۱۶ ساله بوده اند بنابه گزارش حقوق بشر در اسرائیل، ۲۰ نفر از کشته شدگان کودکان سن ۱۲ ساله هستند البته این آمار شامل بیش از سی شش نفر است که بر اثر گاز اشک آور خفه شده اند نمی شود. وزخمیها به حساب نیامده اند.

از طرفی دیگر کودکان فلسطینی بی محاسا می جنگند از پنجره های می برند، از با میا لای روندند. . . در بیمارستانها چه سارسازیانی را می توان یافت که از ناحیه دست و پا بوسیله سنگ و چوب توسط کودکان زخمی شده اند. سنگ انداز بوسیله دیگری است که کودکان بکار می برند. بیش از یک چهارم زخمیها را کودکان زیر ۱۶ ساله تشکیل می دهند. در روستای " باطیر " با کودکانی صحبت می کنیم که تازه از زندان آزاد شده او ۱۵ سال بیشتر ندارد

سزده ساله بود که دستگیر شد و دو سال در زندان مانده اومی گوید " بازم هیتلر بهتر بود " و ادامه میدهد " قبل از اینکه بهودیان بر ما حکومت کنند می کشم و کشته خواهم شد " و مادرش با گریه اضافه می کند " من نیز با او کشته خواهم شد ما در تعریف می کردیم که بزرگتر از ما این بیانه که از رهبران قیام است هنوز در زندان شکنجه داده بودند، وقتی او را دیدم کاملاً مریض بود و برادر بزرگتری گوید " در روستای مجاور برای استفراغ را رتس روستا به محاصره در می آید، در طی سه ساعت ۵ نفر کشته شدند و ۲۰ نفر زخمی و ۸ نفر مجروح به جای می ماند. "

ضد آزیزی حرکت یک گروه نظامی را اعلام می دارد. مردان جوان و کودکان بزرگ از خانه ها بیرون می روند، دو جیب در خیابان اصلی در حرکت است و سربازان آماده شلیک، پس از مدتی درگیری آغاز می شود، مادر می گوید " اگر بپوشیدم چه جبهه می زانیدم و به همراه آنان برای آزادیمان می جنگیدم ". آمار تولد، بعد از شروع قیام نزد فلسطینیان ساکن نوار اشغالی ۷۵ درصد بالا رفته است نزدیک غروب، صدای طبل، صف جمع ارتش خلق را اعلام میدارد. همه جمع می شوند. جوانان تریشان به زحمت سه سالی می شود و نرسنگ انداز است مسن ترها جماعت بدست دارند. جوانی پرچم خونین فلسطین را به اهتزاز در می آورد، پرچمی که هفته پیش جنازه شهیدی ۱۷ ساله را در آن بیچیده بودند. دختران و زنان نیز به جمع ملحق می شوند همه با هم سرود خلق فلسطین را می خوانند و بنند آخر آنرا تکرار می کنند " به ما سلاح بده و جانمان را بگیر ". بر اعلامیه ها نوشته شده " سنگ راه را به طرف جنگ مسلحانه سنگفرش می کند. "

اتحادیه های جدید در کره جنوبی متحد میشوند

تعداد ۱/۶ میلیون کارگر عضو اتحادیه اند که حدود ۳۰۰/۰۰۰ (سیصد هزار) نفر از آنها عضو اتحادیه های مستقل هستند. افزایش حقوق بطور متوسط در حد ۲۵٪ در سال اخیر یکی از دستاوردهای مهم فعالیت اتحادیه های مستقل است. با اینکه این انجمن ملی هنوز قانونی نیست ولی فعالیت اصلی انجمن بر روی جلب حمایت توده کارگران متمرکز شده است و فعالیت در جهت قانونی شدن قدم سندی است در نیمه اول سال ۱۹۸۹ حدود ۳۰۰ نفر از فعالین انجمن دستگیر شدند. بسیاری دیگر مجبور به مخفی کاری شده و سایر فعالین از طرف راست گرایان تهدید میشوند. در ماه سپتامبر و اکتوبر در فعالین توسط دست راستی ها مجروح و در بیمارستان ستری شدند که نظاً هرات ۱۵۰۰ نفر است. حمایت از انجمن در ایالت " ماسان " برپا شد. کارگران الکترونیک (یا کارگران زن الکترونیک) کارخانه های رها شده را هنوز در اشغال دارند. این کارخانه متعلق به کمپانی آمریکاست

کارگران کره جنوبی برای نخستین بار انجمن ملی اتحادیه های مستقل و دمکراتیک (Minjok) را تشکیل می دهند. کارگران علیرغم پیش بینی سرکوب قریب الرقوع توسط دولت نسبت به نیروی حاصله از این اتحادیه اعتماد به نفس دارند. این انجمن که از اوایل بهار به کار شروع می کند، مشکل از ۱۲ نماینده اراغلاف های محلی اتحادیه های عضو Minjok خواهد بود این نمایندگان از کارگران فلزکار، کارکنان شاغل در مطبوعات، تکنسین ها و کارگران بیمارستان - همچنین نمایندگان از کلیسای طرفدار " زحمت و کسب " گروه های محلی و دانش آموزی - خواهند بود. اتحادیه های عضو Minjok یک فرق اصلی با سایر اتحادیه ها دارند و آن اینست که تحت نفوذ دولت و کارفرمایان نیستند (در کره جنوبی نفوذ دولت و کارفرمایان یک امر عادی شده است). اتحادیه های مستقل هنوز در اقلیت هستند از ۶۰۰ اتحادیه موجود ۱۰۰ اتحادیه مستقل هستند. حدوداً تعداد کارگران کره ۱۰ میلیون است و از این

تغییرات در سیاستهای دولت چین

جریان بهار پکن " در اعتراضات کارگری بی چته شد، با دقت عمل می کند. این رهبری اما کماکان آزادیهای سیاسی را درخواست اقلیت نوی کیه جدید و باروشن فکران و منظور کلی تحمیل کرده های ما اند. این تلقی نادرست اما برپایه دلایل و شواهد واقعی استوار شده است. واقعیت این است که شروتمندان جدید در چین و در شعار و درخواست آزادیهای سیاسی، آزادی نامحدود شروتمند شدن و اعاده مالکیت خصوصی را جستجو می کنند و در مورد توده عظیم مردم چین که هنوز در چنگال عقب ماندگی اقتصادی و اجتماعی اسیرند غصه ای به دل راه نمی دهند. اینک سه روشنفکران و تحصیل کرده ها نیز طرفدار آزادی اند و لوی اینکه این طرفداری به معنی گرانسازات سیاسی یکسان در آنها نیست تیر حقیقت دارد اما مهمترین این حقایق نیاز مردم چین به آزادیهای وسیع سیاسی است که از سوی رهبری این کشور نادیده گرفته می شود. بکیار دیگر آپاراتهای حزبی و ارگانهای بوروکراتیک کنترل کارگری و توده ای و نه علینیت و آزادی انتقاد اعتراضی بکار گرفته می شوند تا گمراهان و دشمنان و همه کسانی که از خط حزب تسمیت نمی کنند. به راه آورده شوند، تا با فساد مبارزه شود. و... اما آرموده را آرمودن خطاست. مخلوط کردن مجدد آپاراتهای حزبی و دولتی و کنترل فساد مالیسی و " گمراهی " فکری توسط حزب، به معنای تکرار یک تجربه شکست خورده است. آبار رهبری چین شایمت آنرا ندارد که به توده های وسیع مردم که خالق یکی از عظیم ترین و حماسی ترین انقلابات اجتماعی قرن بیستم و مهمترین زمین لرزه سیاسی و اجتماعی در حیات تاریخ این کشور کهنسال هستند، این امکان را بدهد که دموکراسی سوسیالیستی را تجربه نموده تافردا به دام فلان اپوریسیون " دموکرات " و سوسالستی نیفتد؟

اقدام اخیر دولت چین در مورد لنفوکومست نظامی در پکن، آخرین گام رهبری این کشور برای عادی نمودن روابط اقتصادی با غرب و با به بیان دقیق تر آخرین اقدام برای از میان برداشتن موانع سیاسی بر سر راه روابط اقتصادی معمول با غرب بشمار می رود. این اقدام مبادر کنار اقدامات دیگری صورت گرفته است که مروری بقریده بر آنها برای داشتن یک تصویر عمومی خالی ارقایده نیست

در زمینه اقتصادی: سیاست عمومی رفرمهای اقتصادی ادامه خواهد داشت، اما کنترل بیشتر بر روند های اقتصادی، و بویژه اتخاذ اقداماتی که پاسخ اقتصادی به مسئله گسترش ناسرابری، فساد و غیره بدهد، نیر در دستور کار قرار می گیرد. این شاید مهمترین درس رهبری چین از " بحران پکن " است. اینکه تسو سازی اقتصادی نباید بدون توجه به عواقب منفی آن یعنی گسترش نابرابری اجتماعی ادامه یابد، بلکه می بایست در کنار سیاست مزبور، تصمیمات جدی تری برای مقابله با عوارض منفی گسترش مکانیزمهای بازار در سطح اقتصاد گرفته شوند.

در زمینه سیاسی: مبارزه با ریب پارگرفتن نقش رهبری حزب، " تسادایدئولوژیک " و بی توجهی به ارزشهای سیاسی و معنوی که حزب کمونیست خود را مدافع آنها می شمارد و نیز تحکیم کنترل حزبی - موسسات اقتصادی، وزارتخانه ها و حتی افزایش شدید دخالت های دولت مرکزی در نواحی، به خصوص اصلی رفرمهای سیاسی منکوس به شمار می روند. آنچه که اصلاحات اقتصادی و سیاسی فوق به خوبی نشان می دهند این است که رهبری چین در مورد عواقب منفی رفرمهای اقتصادی اکنون توجه و حتی هشباری نشان می دهد و در نورد نتایج ناشی از سی توجهی به عدالت اجتماعی که در

پاناما

دولت جدید پاناما که توسط دولت آمریکا منصوب شده است برای مقاله با هرگونه خطرسازی از سوی ارتش، آن را منحل نمود. به موازات انحلال ارتش دستگیری طرفداران ژنرال نوریگا که هم اکنون در یکی از زندانهای فلوریدا در آمریکا بسر می برد، ادامه داشته و تاکنون چند هزار نفر دستگیر شده اند. از سوی دیگر اولیسن علائم مخالفت علنی با حضور نیروهای آمریکایی در پاناما و نیز با دولت جدید این کشور، در میان شهروندان بروز کرده اما هنوز بصورت مخالفت های وسیع و یا اعتراضات نشده ای گسترده در نیامده است.

اسرائیل

دراولین زدوخوردهای بین سربازان اسرائیلی و مردم فلسطین پس از ناآرامیهای مربوط به سومین سالگرد "انتفاضه"، دوجوان فلسطینی در رمله به قتل رسیدند. این دوهی علت سنگ اندازی به یک ماشین گشتی ارتش اسرائیل به سوی سرنشینان آن مورد حمله قرار گرفته بودند. از سوی دیگر دو مامور امنیتی اسرائیل که یک زندانی فلسطینی را تا حد مرگ شکنجه دادند. قرار است محاکمه شوند. این اقدام ظاهراً برای پاسخ به اتهامات عفویینا لملل که دولت اسرائیل را مسئول کشتار فلسطینیان معرفی کرده بود، صورت می گیرد. دادستان اسرائیل در این مورد که مسئولین سیاسی دستگاه شکنجه و آدم ربایی "شین بت" سازمان امنیت اسرائیل چه کسانی هستند و چرا آنها محاکمه نمی شوند، سکوت اختیار کرده است.

کلمبیا

دولت آمریکا تصمیم گرفت که یک نسا و هواپیما بر، یک روز و چندین کشتی دیگر را به سواحل کلمبیا اعزام کند تا در آنجا به کنترل قایقهای حامل مواد مخدر بپردازند. این اقدام آمریکا که بدون مشورت با دولت کلمبیا صورت گرفت، با اعتراض شدیدی در این کشور و بیرون است. دولت کلمبیا از آمریکا خواست که، بجای کنترل مرزهای آبی یک کشور دیگر به کنترل مرزهای هوایی و دریایی خود بپردازد و اجازه ندهد که مواد شیمیایی و تجهیزات و تسلیحات به دست تولید کنندگان کوکائین رسیده و این ماده مخدر در محموله های چند تنی وارد خاک آمریکا شود. دولت آمریکا هنوز پاسخی به اعتراض مزبور نداده است.

کامبوج

کنفرانس پاریس و بلوف نظامی خمرهای سرخ نیروهای نظامی خمر سرخ در هفته های اخیر چند بیروزی نظامی داشته اند که از جمله آنها ورودیه حومه یک شهر مرزی و انفجار چند بمب در پنوم پسن است. رادیوی نیروهای خمر سرخ ادعا نموده بود که رهبران کامبوج فرار کرده بودند و به شهر هوشی مین پناهنده شده اند. این ادعا، بیادقیق تر دو روزه حساب شده دلیل خاصی داشت که عبارت بود از حضور وزیر خارجه استرالیا در کامبوج و دیدار وی با رهبران این کشور و تشکیل کنفرانس پاریس با شرکت نمایندگان اعضای دائمی شورای امنیت در مورد کامبوج، و رهبران خارجه استرالیا در این دیدار طرح دولت خود

برای صلح در کامبوج را توضیح داد. بر طبق این طرح سازمان ملل می بایست اداره امور کامبوج را برای دوره برگزاری انتخابات و مقدمات آن از دولت فعلی تحویل گرفته و در این فاصله نیروهای نظامی شورشیان سلاحهای خود را تحویل داده و پناهندگان نیز به میهن خود بازگردند. این طرح مورد موافقت دول کامبوج و بیست نام و نیز آمریکا، شوروی و فرانسه قرار گرفته است. در حالیکه خمرهای سرخ طرفدار ایجاد دولتی به رهبری (ظاهری) شاهزاده سیهانوک و در واقع متعلق به آنها به عنوان تنها نیروی مهم و به لحاظ نظامی قابل ملاحظه اپوزیسیون هستند. اولین نشست کنفرانس پاریس انجام شد و بنا به گمان پنج کشور آمریکا، شوروی، فرانسه، چین، و انگلیس ضمن موافقت اصولی با طرح استرالیا قرار نشست بعدی را برای پی گرفتن این طرح نهادند. در بیانیه پنج عضو دائمی شورای امنیت برای اولین بار نامی از دولت تسعیدی سیهانوک، که صاحب کرسی این کشور در مجامع عمومی ملل متحد است، برده شد و این بمنزله تضعیف موقعیت سیهانوک و دولت او، که بر شرکت خمرهای سرخ اصرار داشتند، تلقی میشود. اسن موضع مورد استقبال دولت کامبوج قرار گرفته است. در حالیکه اقدامات دیپلماتیک مزبور در جریانند، دولت کامبوج موفق شد، نیروهای مهاجم خمر سرخ را که در صدد تسخیر شهرها تا میانگ برآمده و در اطراف آن به تمرکز نیرو دست زده بودند، پس براند. هنوز معین نیست که نیروهای دولتی تا چه حد قادرند در مقابل تهاجمات بعدی ایستادگی کنند.

کنفرانس کومکون در صوفیه

کشورهای عضو "شورای کمکهای اقتصادی همه جانبه"، کومکون، که دهه کشور اروپای شرقی را در بر می گیرد. در اوائل ژانویه اجلاس عادی خود را برگزار کردند. این اجلاس اما در شرایطی غیر عادی، یعنی در وضعیت تحولات همه جانبه سیاسی و اجتماعی در کشورهای عضو برگزار شده و بهر و نشان این تحولات را پر خورده است.

مواضعی که پاره ای از کشورهای عضو کومکون از جمله مجارستان، چکسلواکی و لهستان در اجلاس صوفیه اتخاذ کردند و خواهان اجرای فوری مکانیزمهای بازار و ترجیح مناسبات دوجانبه بر مناسبات چند جانبه بین کشورهای عضو شدند، نمونه هایی از گرایش به دورزدن سایر اعضای کومکون بودند. اتحاد شوروی در مقابل پیشنهاد دهنده که از سال آتی قیمت های جهانی مینای مبادلات قرار گرفته و به علاوه ایجاد یک ارز قابل تبدیل مشترک در دستور کار قرار گیرد.

ایجاد ارز مزبور به کشورهای عضو کومکون این امکان را می دهد که با آن در بازارهای جهانی معامله کنند. این پیشنهاد شوروی به دلیل اینکه موجب بدهکاری فوری پاره ای از کشورهای که مواد انرژی رای خود را از شوروی به قیمت پائین دریافت کرده و گالاهای مصرفی غالباً نامرغوب را در ازای آن مادمی کنند، از سوی آنها رد شد، اما قرار شد که تا یک زمان نسبتی چند ساله اجرا شود.

اجلاس کومکون همچنین یک کمیسیون را برای

بررسی راه حلها و پیشنهادات مشخص برای همکاریهای آینده انتخاب نمود. این کمیسیون وظیفه دارد که بطور مشخص به تدوین طرحهای کوتاه مدت و بلندمدت برای توسعه مناسبات اقتصادی کشورهای عضو شکل دادن به یک بلوک ارائه دهد.

سفر گورباچف به لیتوانی

میخائیل گورباچف دیدار چند روزه ای از جمهوری لیتوانی داشت که می بایست به لحاظ اهمیت آن مورد بررسی قرار گیرد. زمینه عمومی این دیدار یک رشته تحولات در رابطه با جمهوری کرانه بالتیک است. که یادآور فترده آن خالی از فایده نیست:

- جنبه های خلق "در جمهوری بالتیک که به عنوان طرفدار از پروسترویکا ایجاد شده و نقش مهمی در بار سازی سیاسی این جمهوریها داشتند، اساساً تحت سیطره نیروهای ناسیونالیست قرار گرفته اند که اکنون خواهان گسست از اتحاد شوروی به عنوان گام اول احیای سرما به داری هستند.

- گرایش ناسیونالیستی در حزب کمونیست جمهوریهای کرانه بالتیک نیز تقویت شده و مثلاً در لیتوانی حزب کمونیست رسماً از حزب کمونیست شوروی خارج شده است. لذا این تصمیم توسط حزب مرکزی همراه با تصمیم به اعزام گورباچف به آنجا اتخاذ شد.

- رشد گرایش جدائی طلبانه در بالتیک بهر بستر پدیده عمومی پا گرفتن ناسیونالیسم در تقریباً کلیه جمهوریهای شوروی یا پدموردا رزیایی قرار گیرند و از این رویه عنوان مهمترین خطری که با سازی اتحاد شوروی و موجودیت این کشور در مرزهای فعلی را تهدید می کند، پاسخی اصولی را از سوی رهبری شوروی می طلبد.

گورباچف در دیدار خود به گفتگوها و سخنرانیهای متعددی پرداخت و در مباحثه با مردم کوچه و بازار، کارگران کارخانه ها و رهبران حزبی، سیمای خود بعنوان رهبری آینده نگر که ارزیابی خونسردانه و همه جانبه از مسائل را می طلبد و در عین حال به شعور و اراده مردم احترام می گذارد، نمایش گذاشت. این شیوه او موجب شده که نمایندگان ناسیونالیسم کورویمیارگونه ای که ارتشهای بخش سرخ - ارتشی که لیتوانی را از وجود نیروهای اشغالگر فاشیست آزاد نمودند ارتش اشغالگر بیگانه می شمارد، در میان انبوه فریادهای گورباچف در گورباچف آرام شود.

گورباچف در طی دیدارهای خود مواضعی را اعلام نمود که به لحاظ اهمیت آنها را در اینجا ذکر می کنیم:

- با سازی در اتحاد شوروی نمی تواند به گرایشات جدائی طلبانه و تبدیل این کشور به مجموعه ای در حال تلاشی به پیش رود بنا بر این

اخراج پناهندگان از اتریش رسوایی دمکراسی غرب

روز چهارشنبه ۱۵ ژانویه صدوینجاه نفر از پناهندگان ترک ساکن ترانس کرخن "یکی از بزرگترین اماکن پناهندگی در اتریش را در سرمای دهم درجه زیر صفر ازین محل اخراج کردند. پس از دوروز فعالیت و اعتراض نیروهای دمکرات و مترقی و با لا گرفتن رسوایی این قضیه در مطبوعات وزیر داخله در محاصره مفصل تلویزیونی شرکت کرد و با این محمل که این کار مورد ناخودآورد داخله نبوده است و پناهندگان بجای خود بازگرداندن شد ه انداخته را محصوره اعلام کرد ولی از مصاحبه او معلوم بود که اقدامات محدودکننده علیه پناهندگان و متقاضیان پناهندگی با زهم شدت پیدا کرده است. هم وزیر داخله و هم نخست وزیر در مصاحبه های خود از تلاش برای جلوگیری از فعالیت قاچاقچیان و دفاع از خانواده های که کلیه دارائی خود را می فروشند و در مرزها سرگردا نمی شوند صحبت کردند. در عین حال نخست وزیر گفت که اتریش طبق قراردادی که با دولت آلمان و سوئیس دارد موظف است جلو افرادی که عازم این کشور هستند و ویزا ندارند را بگیرد.

هفته ای بعد تلویزیون اتریش اعلام داشت که از تاریخ ۱۷ ژانویه ترکیه برای ورود به اتریش بایستی ویزا داشته باشند. این ویراسه ماه اعتبار خواهد داشت. شکنجه در اتریش سازمان عفوبین المللی، اطریش را با خطا بر ریبیا گذاشتن ضوابط حقوق بشر محکوم کرد. پلیس دولت اتریش طی سالیهای ۸۸-۱۹۸۴ صدو بیست نفر را خود همین و شکنجه کرده است. شکنجه ها شامل ضرب و شتم، شلاق، سوزاندن توسط شش سیگار شوک برقی و خفه کردن بوده است. عفوبین المللی اشاره کرد که ۴۵ درصد شکنجه شدگانی که علیه شکنجه کنندگان شکایت کرده اند موضوع تحقیق و بازجویی جدیدی تبدیل شده و در خطر پرداخت جریمه های پولی زیاد قرار گرفته اند. همچنین دو نماینده از حزب سبزها نیز اشاره کردند که به هر شکنجه شده ای که شکایت کند بر حسب های مختلفی زده میشود. یکی از این نمایندگان ضمن رد ادعای وزیر کشور مبنی بر اینکه در هر ادراهای واصله نا هم رنگ هست، مساله شکنجه را ساختار ویدانست و گفت اگر شکنجه کردن احساس خطری در چارچوب فعالیت اداری خود میکردند هرگز به چنین کارهایی دست نمی زدند.

اعتصاب غذا در فرانکفورت

برای حساب از زندانیان سیاسی ابراروسه منظور اعلام درخواست از هیئت سا زوسی زندانیهای ایران جهت اعلام گزارش واقعی از نقض حقوق بشر در ایران فعالستهای از جانب نیروهای سازمان ما و سایر هموطنان مقیم خارج کشور صورت میگردد. از روز شنبه ۲۷ ژانویه تا با زکشت هیئت سا زوسی از زندانیهای ایران به سرپرستی گالیندویل از نهران، اعتبار غذایی توسط رفقای سازمان مادر فرانکفورت آلمان نفوسی انجام گرفته است. این حرکت که مورد حمایت نیروهای مترقی آلمانی و سایر کشورها قرار گرفته، تلاشی برای انعکاس حمایت ما از زندانیان سا سوتنا کید سرگزارش واقعی و همه جاسه از نقض حقوق بشر، علیه اختناق در ایران و برآی آزادی همه زندانیان سیاسی کشورمان است.



قطعه نامه مشترک

سفر گوربا چف به لیتوانی

بقیه در صفحه ۱۰

دا من زدن به گرایشات مزبور معنای بی جز در خطر انداختن عملی پروسترویکا و امنیت در اروپای شرقی ندارد. برخلاف تصور ساده اندیشانه ناسیونالیستها، جدائی از اتحاد شوروی، تنها آغاز مشکلات بیشمار خواهد بود. حل آنها، جمهوریهای کوچک شوروی بدون اتکاب به بنیة اقتصادی عمومی شوروی خیلی زود از حرکت به جلو باز خواهند آمد. از این رو قبل از هر اقدامی می باید هزار دفعه فکر کرد! - شوروی در اصول جدائی جمهوریها را می پذیرد و قانون مربوط به آن رابه رای گیری عمومی خواهد گذاشت. - تعداد حزب به شرطی که نتیجه یک روند عمومی وطنی اجتماعی و بیاترکبک نیاز جامعه باشد، مورد قبول رهبری شوروی است. - شورای عالی اتحاد شوروی می باید در آئینده چگونگی روابط جمهوریها، حدود اختیارات هر یک و غیره رابه نحوی معین کند که جمهوریها دارای حداکثر آزادی عمل بوده و دخالت های غیر ضرور مرکز قطع شود.

گوربا چف در دیدار خود نتوانست رهبران لیتوانی رابه کنار گذاشتن سیاست انشعاب از حزب و از اتحاد شوروی، راضی کند، اما موفق شد که شکافی بین آنها و ناسیونالیسم افراطی و رادیکال ایجاد کند و در عین حال آنها رابه خویش شدن داری و تا مل بیشتر جلب کند. بدون تردید، روند بک بازبینی دوباره در لیتوانی حداقل در ذهنیهات بخشهایی از مردم شروع مثبتی برای جدائی از ناسیونالیسم خواهد بود، اما اینکه این روند بکجا می انجامد، سئوالی است که در آئینده روشن خواهد شد.

به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد

بر صق اصلاح در تاریخ ۲۵ نوامبر جمهوری اسلامی ایران پس از سالها مانع از بازید ارگانهای بین المللی. مدافع حقوق بشر از زندانیهای سیاسی کشور به یکی از نمایندگان کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد آقای گالیندویل اجازه بازید از ایران را داده است.

نصر به اینکه:

جمهوری اسلامی در صدمال حاکمیت سیه خود به کرات حقوق انسانی را وحشیانه پایمال نموده، به اعتراضات بین المللی و قعی ننهاد، از بازید زندانیهای کشور توسط سازمانهای بین المللی مدافع حقوق بشر مانع بعمل آورده و در موارد معددی نیز که این سازمانها اجازه ورود به کشور را یافتند با شرط و شرط گوناگون آزادی عمل و حرکت آنها را شدیدا محدود نموده است.

لذا

ما امضا کنندگان این قطعه نامه در آستانه سفر گالیندویل به ایران خواهشهای زیر را مورد تاکید قرار می دهیم.

۱- سفر گالیندویل به ایران بایستی بر اساس و مطابق با موازین کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد و دیگر سازمانهای بین المللی مدافع حقوق بشر صورت گیرد و نه بر اساس و مطابق شرط و شرط رژیم اسلامی!

۲- نماینده کمیسیون بایستی از تمامی زندانیهای سیاسی، زندانیان سیاسی و نیز گروههای جمعی که تا کنون کشف شده اند، بازید بعمل آورد!

۳- نماینده کمیسیون بایستی با خانواده های زندانیان سیاسی در بند و یا اعدام شده ملاقات نموده و خواهشهای آنها را مورد توجه قرار دهد. این نماینده همچنین بایستی در مورد وضعیت و سرنوشت خانواده های که بمناسبت سالگرد آغاز قتل عام اخیر زندانیان سیاسی در سپتامبر ۸۹ دستگیر و زندانی شده اند، تحقیق نماید!

۴- کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل بایستی نام تمامی زندانیان سیاسی در بند و اعدامی، و نیز گزارش این سر احتمالی را بصورت علنی منتشر نماید!

۵- کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل بایستی در جهت قطع شکنجه و اعدام و آزادی بلا واسطه و بی قید و شرط زندانیان سیاسی کشور اقدام نماید!

ما از شما می خواهیم تا در صورتی که جمهوری اسلامی ایران از بازید نماینده سازمان ملل از زندانیهای سیاسی کشور مانع بعمل آورد و یا خواهشهای فوق را پایمال نماید، اقدامات مناسبی را در جهت بایکوت همه جانبه اقتصادی، سیاسی و... جمهوری اسلامی در سطح جهانی اختیار نماید.

امضا کنندگان

- ۱- حزب کمونیست، آرکیست، لنینیستها (انقلابیون) KPMU
- ۲- حزب سبزها (KMPUC) (انقلابیون)
- ۳- حزب چپ کمونیستها VPK - کومترک
- ۴- حزب کارگری کمونیستها APK - استکپلم
- ۵- سازمان جوانان کمونیست KJ - استکپلم و کومترک
- ۶- جنبه خلق برای آزادی فلسطین PFLP
- ۷- سازمان میر شیبی
- ۸- حزب کمونیست شیلی
- ۹- انجمن دوستی سوئد و نیکارا گوتیه - استکپلم
- ۱۰- کمیته فلسطین دمکراتیک
- ۱۱- کمیته همبستگی با انتظافه
- ۱۲- سازمان کارگران انقلابی ایران - سوئد



صدای کارگر

راه پوی سازمان کارگران انقلابی ایران در تهران

★ برنامه های سراسری صدای کارگر:

هر شب ساعت ۸/۵ روی موج کوتسناه
ردیف ۷۵ متربرابر با ۴ مگاهرتز پخش میشود.
این برنامه ساعت ۶/۵ صبح روز بعد تکرار
میکرد.

★ جمعه ها برنامه ویژه پخش میشود.

★ برنامه های صدای کارگریزه کردستان:

☆ روزهای شنبه، دوشنبه و چهارشنبه ساعت
۶ بعد از ظهر به زبان کردی و فارسی روی موج
کوتاه ردیف ۷۵ متربرابر با ۴ مگاهرتز پخش
میشود. همین برنامه روزهای یکشنبه، سه
شنبه و پنجشنبه ساعت ۶ تکرار میگردد.
☆ جمعه ها ساعت ۹ صبح برنامه ویژه
پخش میشود. این برنامه ساعت ۶ بعد از ظهر
جمعه تکرار میشود.

ALIZADI B.P.195
75564 PARIS - CEDEX 12
FRANCE

POSTFACH 650226
1 - BERLIN 65

دستگیر شده است که صبح هنگام رفتن به شهرجهت خرید، دختر سه ساله اش انگشتان دستش را به علامت پیروزی به سربازان نشان داده بود. سربازان این زن را به زندان اورشلیم منتقل کرده اند. در تابستان یک اردوگاه تابستانی دانش آموزان را به گلوله می بندند و میری را دستگیری میکنند چرا که کودکان سرودهای ملی فلسطینی را می خوانند.

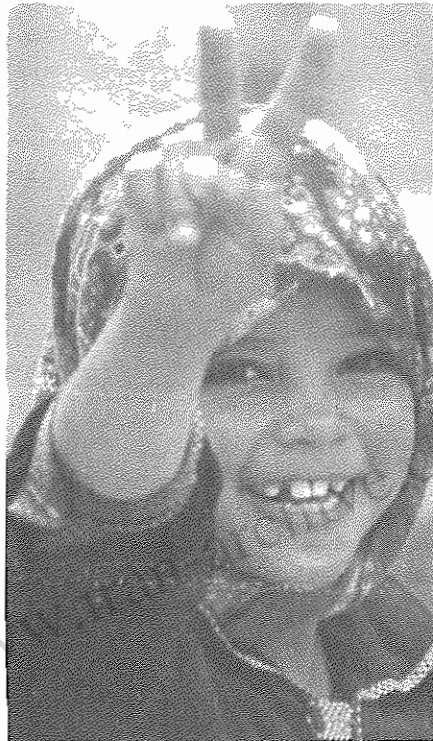
فلسطینی ها عموماً مورد توهین واقع می شوند بخصوص در مواقع کنترل پاسپورت و... نفرت نفرت بوجود می آورد و نفرت اسرائیلی ها از فلسطینی ها با نژادپرستی فاصله ندارد. اعمال نفرت انگیز واحدهای ارتش در غرب اردن، بخصوص در مقابل با کودکان چیزی نیست که به ایمن سادگی از ذهن پاک شود. این رفتارها در روزی است که در "آشویتز" مدها کودک پیوذب... "آزمایشات پزشکی" برای مرگ تکنجه می شدند. سوابی در آن حادثه که خانواده سربازان نیز به اعتراض برخاسته اند.

بقیه در صفحه ۹

گزارشی از فلسطین اشغالی ترجمه و تلخیص از مجله اشترن شماره ۴۰

بر علیه کودکان

قیام دو سال پیش با تظاهراتی خودجوش و سنگ - برانی از اردوگاه آوارگان توسط جوانان آغاز شد و پس از آن به شهرها و روستاها کشیده شد. رهبران P.L.O. تنها از طریق همداشی با "انتفاضة" بود که توانستند کنترل قیام را کاملاً از دست ندهند.



در فلسطین از آرزو تا کنون یک انقلاب در جریان است.

طبقه حاکمه پس از سالها آقایی اکنون دیگر فاقد قدرت است، گروهها و سازمانهای فعال در قیام کنترل شهرها و روستاها را در دست دارند. رهبران قیام مشکل بالایی سال سن دارند و عموماً حسوان و بیست ساله هستند. با این قیام دیگر میراثهای سنتی در خانواده عرب نیز شکسته شده است. کنترل کودکان از دست خانواده بدرفته. مادران سعی در مهار کودکان دارند چرا که آنها از درگیری با اسرائیلیها در هراسند. و در این میان من ترها با تردید وارد میدان می شوند. و نهایت اینک: دو سال است "انتفاضة" مورد کین و نفرت اسرائیلیهاست. این نفرت در مناطق اشغالی هر روز اغتشاش تازه ای را موجب می شود. با اقداماتی ناهنجار آنان در نظم و فضا را بر خلق فلسطینی می آزمایند. در منشور یهودیان. خلق فلسطین وجود ندارد بلکه تنها "بخش عرب نشین" رسمیت دارد.

ابعداً دظلم گسترده است مثلاً در روستای "تولکارم" کمال ادنا "به این علت دستگیر شده است که رنگ صندلیهای بلاستیکی اورنگهای مسود استعمال فلسطینیان است، سیاه، سفید، سبز و قرمز. در روستای "بی-تین" سالم نایوه، به این سبب

یا سربوخوش، ۱۲ ساله، دبیراتحادیه دانش آموزان و از رهبران جنبش دانش آموزان بر علیه اشغالگران اسرائیلی، در قهوه خانهای واقع در رام اله، نزدیک اورشلیم نشسته است. در طول هفته های اخیر او حتی شبها در خانه خوشان نمی خوابید. برادرش وی را متقاعد کرده بود که مدتی نزد خویشانشان در شهری دیگر زندگی کند. چرا که مطلع شده بود ما مورین نه قصد دستگیری بلکه کشتن یا سرآوردن وی را اکنون جهت خدا حافظی با دوستانش به قهوه خانه آمده بود.

فولکسی جلوی قهوه خانه متوقف می شود، یکی از دوستان یا سربوخوش را متوجه خطری کند، سه مرد صلح آزمایش بیرون بریدند. یا سردر حال فرار، یا پیش به مانعی برخورد می کنند و سکنندری می خورد. در همین حال با امانت اولین گلوله به زانویش سه زمین می افتد. یکی از مردان ملحق، از فاصله چهارمتری سه گلوله دیگری به سربوخوش می کند. یکی از شاگردان عینی می گفت یا سربوخوش جان داشت. دوستان او می خواستند وی را به بیمارستان ببرند ولی با تهدید فراد مسلح مواجه شدند "یا سر" را از داخل جیبی انداختند و در حالی که سرخویشش از ماشین آویزان بود به جای سرن به بیمارستان یک ساعت وی را در شهرگرداندند.

خانواده یا سربوخوش نشتند ساعت یازده شب نعلش فرزندشان را از یک مرکز ارتش تحویل بگیرند آنان می بایست تحت نظر سربازان اسرائیلی، بدون گریه و زاری، نیمه شب او را دفن می کردند.

تظاهرات عزا داری "یا سر" را زایا محمد صلاح" معاون ۱۶ ساله او در اتحادیه رهبری می کنند. "رایا" پس از پایان تظاهرات، هنگام بازگشت توسط یک گروه ارتش به رگبار بسته می شود.

بیش از بیست مورد دست در دست است که این اعمال توسط ما مورین امنیتی و گروه ویژه ارتش صورت گرفته است ولی سخنگوی ارتش در این مورد می گوید "این تبلیغات تروریست هاست، ما 'در مورد' یا سر" گفتنی است که ما مورین شهرداری مطیع اوامرند. اگر افراد مظلوم قصد فرار داشته باشند، باید دیدنیک کنند."

برخی در کابینه اسرائیل برای عقیده اتند که قیام به طرف جنگ می رود و ارتش از هر فرصتی برای مبارزه علیه خلق فلسطین استفاده می کند. ولی در این مدت ارتش به پیروزی عادت کرده اسرائیل نشان داد که در مقابل جوانان و کودکان غیر مسلح هیچ توانی ندارد. به زغم اسرائیل کار "انتفاضة" یک عمل تروریستی است. چرا که کودکان به مثابه اسلحه استفاده می کنند و "شمیر" در این مورد می گوید "ما از مردم P.L.O. (سازمان آزادیبخش فلسطین) متنفریم، چون آنها ما را مجبور می کنند که کودکان عرب را بکشیم."